

فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت

دوره دوم، شماره ۲۷- شماره پیاپی ۴۵- زمستان و بهار ۱۳۹۰-۱۳۹۱

مقاله شماره ۱ - صفحات ۵ تا ۳۵

تبیین مبانی معرفت شناختی نظام آموزش از راه دور

دکتر محسن فرمهینی فراهانی^۱ دکتر مهدی سبحانی نژاد^۲ زینب قلی زاده مقدم^۳

چکیده

در پژوهش حاضر تبیین مبانی معرفت شناختی نظام آموزش از راه دور در سه محور؛ مبانی معرفت شناختی نسل اول، دوم و سوم مورد توجه قرار گرفته است. روش انجام پژوهش تحلیل اسنادی بوده است. به منظور گردآوری داده های لازم جهت پاسخگویی به سؤال های پژوهش کلیه اسناد و مدارک موجود و مرتبط با موضوع با استفاده از فرم گردآوری داده ها جمع آوری و با شیوه کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

^۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد تهران

^۲. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد تهران farmahinifar@yahoo.com

^۳. مدرس دانشگاه پیام نور monad.moghadam@yahoo.com

عمده‌ترین یافته‌های پژوهش عبارتند از: ۱- رویکرد و مبانی معرفت‌شناختی نسل اول (۱۹۰۰-۱۹۵۰) عبارتند از: رویکرد اثبات‌گرایی با اعتقاد به قوانین کلی یادگیری، روش‌های جمعی و تأکید بر اصول کارایی در طراحی راهبردهای آموزشی و... ۲- نسل دوم (۱۹۶۰-۱۹۸۰): رویکرد تعبیری یا تفسیری و باورهای معرفت‌شناختی از قبیل؛ روشن ساختن زبان کاربردی در موقعیت‌های آموزشی با ابهام‌زدایی از اصطلاحات تخصصی، توجه به عوامل مهم (تاریخی، محیطی و شخصی) در رمزگذاری و رمزگشایی و... ۳- نسل سوم (از ۱۹۹۰ تاکنون): رویکرد معرفت‌شناسی انتقادی و باورهای ایجاد «فضاهای دموکراتیک» در مدارس، تأکید و ترغیب گوناگونی فرهنگی، بی‌طرفی نهادهای آموزشی.

واژه‌های کلیدی: معرفت‌شناسی، آموزش باز، آموزش از راه دور، رویکرد، اثبات‌گرایی، تفسیری، انتقادی، آموزش مجازی.

۱

مقدمه

آموزش از راه دور را می‌توان به عنوان «هرگونه فرآیند آموزشی رسمی که بین معلم و شاگرد در فاصله زمانی یا مکانی اتفاق می‌افتد» تعریف کرد (داوی، ۱۹۹۹، ص ۴۴-۴۵). در باب محاسن آن می‌توان گفت مدل آموزش از راه دور راه‌های زیادی برای حمایت از فراگیران فراهم می‌کند. از امکانات آموزش از راه دور می‌توان به انعطاف‌پذیری زمانی و مکانی در امر یادگیری، توجه به ویژگی‌های متفاوت شخصیتی افراد، گوش دادن فعال، ایجاد امکان کار به طور مستقل در غیاب معلم و... اشاره نمود (شری، ۱۹۹۶). به طور کلی از نظر تاریخی پیشرو مبنای تکنولوژیکی آموزش از راه دور را می‌توان مراسلات (ارتباطات) آموزشی دانست که شروع آن به اروپا و ایالات متحده در میانه قرن ۱۹ بازمی‌گردد (روت دامونت، ۲۰۰۲). اگر بخواهیم در مورد سوابق تاریخی موضوع بحث نماییم، می‌توان به طور موجز برای تحولات آموزش و پرورش مراحل را ذکر کرد که در این صورت اولین مرحله و منشاء نظام معاصر آموزش و پرورش رسمی را باید در دهه‌های پیش از انقلاب صنعتی جستجو کرد، چنانکه احتیاج به نیروی انسانی در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ موجب گسترش

آموزش و پرورش ابتدایی شده است. در دومین مرحله از تحول آموزش و پرورش که میان دو جنگ جهانی قرار داشت شاهد دگرگونیهای اجتماعی و تکنولوژیکی چشمگیر و گسترش آموزش متوسطه هستیم. و از سالهای ۱۹۵۰ مرحله سوم شروع می شود. این مرحله عصر انقلاب علمی و فنی و رونق سریع اقتصادی و آزادی مستعمرات است (امیری، ۱۳۶۹).

با پیدایش مفهوم جدید رشد در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ سیاستهای آموزش و پرورش نیز مورد تردید و سؤال قرار گرفت. این تردید تقاضای اجتماعی آموزش و پرورش را شدیدتر ساخت و از اینجا این ضرورت مطرح می گردد که برای هر فرد سطحی از آموزش و پرورش تأمین شود. این مسأله توجه دست اندرکاران آموزشی را در پایان سالهای ۱۹۶۰ نسبت به فنون و و سایل جدید آموزشی نظیر تلویزیون آموزشی و آموزش برنامه ای جلب نمود (امیری، ۱۳۶۹).

پس از آن در طول سالهای ۱۹۷۰ و اوائل ۱۹۸۰ بیشتر پژوهشگران به تأثیرات کامپیوتر توجه داشتند و (حدود ۱۹۹۰) همه نگاهها به سوی سیستم های ارتباطات از راه دور منتقل شد (حسینی، ۱۳۸۴). در چنین شرایطی بود که توجه به معرفت شناسی که گنجینه اصلی گزینش روشهای تدریس و تعلیم و شناسایی، تفکیک و پی بردن به چگونگی عمل و نحوه تأثیرات و موارد خاص کاربرد انواع آنهاست (نلر، ترجمه بازرگان، ۱۳۸۰، ص ۷) به عنوان عاملی تأثیر گذار بر مؤلفه های مهم این نظام (فراگیر، معلم بر نامه درسی، رابردهای یاددهی - یادگیری و رسانه) همچون سایر نظامهای آموزشی معطوف گردید و همین متفاوت بودن رویکردهای معرفت شناسی طی عمر ۱۵۰ ساله نظام آموزش از راه دور بود که دانش پژوهان و محققان آموزش از راه دور را (کاوشی پیرامون... بی نام، بی تا)، همانند دیگر رشته ها به ایجاد الگوهای مفهومی و دسته بندیهایی برای فهم بهتر دنیایی که در آن زندگی کرده ایم و آن را ایجاد نموده ایم، سوق داد. دسته بندی فن آوریهای آموزش از راه دور نیز بر همین اساس در غالب نسلهای مختلف، که مبنای آن ابزارهای فناورانه و پشتیبانی کننده از هر یک از این نسلها است، مرسوم بوده است (گریسون، ۱۹۸۵؛ نیپر، ۱۹۸۹؛ حسینی، ۱۳۸۴).

بر اساس نحوه بهره گیری مؤسسات آموزشی باز و از راه دور از فناوریهای ارتباطی، رویکرد فلسفی و رواناسی مؤثر و دیدگاههای معرفت شناختی آنان، نظام آموزش از راه دور را می توان در قالب سه نسل تقسیم بندی نمود که عبارتند از:

نسل اول (۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰): نسل آموزش مکاتبه ای و برنامه ای (دوره تسلط رویکرد فلسفی اثبات گرایی و رویکرد روان شناسی رفتارگرایی) (فردانش، ۱۳۸۴).

نسل دوم (۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰): نسل کاربرد رسانه های همچون رادیو و تلویزیون و نیز توجه به رایانه در امر آموزش و یادگیری (عطاران، ۱۳۸۳)، (دوره تسلط رویکرد فلسفی تفسیری و رویکرد روان شناسی شناخت گرایی) (فردانش، ۱۳۸۴).

نسل سوم (۱۹۹۰ تا کنون): همزمان با گسترش "شبکه گستره جهانی" در سالهای نخستین دهه ی (حسینی، ۱۳۸۴)، (دوره تسلط رویکرد فلسفی انتقادی و رویکرد روان شناسی ساخت گرایی) (فردانش، ۱۳۸۴).

پژوهشهای انجام شده در حیطه نظام آموزش از راه دور نشان داد که تحقیقات بسیار زیادی در سطح کشور در زمینه موضوعات مرتبط با آموزش از راه دور انجام شده است، لیکن بر اساس بررسیهای مقدماتی تنها یک تحقیق به طور مستقیم در خصوص تبیین مبانی معرفت شناختی آموزش از راه دور در با عنوان «کاوشی پیرامون دیدگاههای معرفت شناسی نسبت به راهبردهای یاددهی - یادگیری در نظام آموزش بازو از راه دور» انجام گرفته است. اما خوشبختانه در خارج از کشور تا حدودی به مبانی فلسفی خاصه مبانی معرفت شناختی آموزش از راه دور پرداخته شده که می تواند نقطه عطفی در عملکرد اصولی در زمینه آموزش از راه دور باشد و راهگشایی برای تحقیقات و بررسی های داخلی .

در یک مرز بندی کلی می توان چهار حیطه اصلی در زمینه تحقیقات آموزش از راه دور تعیین نمود:

الف- مقایسه عملکرد فراگیران دو نظام آموزشی سنتی و از راه دور مانند:

تحقیق آقای فراهانی (۱۳۸۰) با عنوان «مقایسه عملکرد تحصیلی دانشجویان تربیت بدنی در نظام حضوری و راه دور در ایران» و ساکی (۱۳۷۷)، «بررسی اثر بخشی آموزشهای

کوتاه مدت ضمن خدمت به صورت حضوری ، نیمه حضوری و غیر حضوری»

ب- تحقیقاتی در زمینه امکان استفاده از نظام آموزش از راه دور در برخی از زمینه ها و موضوعات یادگیری مانند: تحقیق حسن زاده (۱۳۸۱) «بررسی مکان سنجی آموزش از راه دور کتابداری و اطلاع رسانی از طریق اینترنت در ایران در قالب سه مؤلفه امکانات و تجهیزات گروهها، سابقه و مهارت اساتید و بر نامه های آتی گروهها»، ری (۲۰۰۶) «بررسی آینده آموزش از راه دور»

ج- مطالعاتی در حوزه نحوه نگرش و یا فاکتورهای مؤثر در پذیرش و کاربرد اینترنت در آموزش مانند: تحقیق چیدری (۱۳۸۱) «فعالیت های آموزش از راه دور و اعضاء هیئت علمی در ایران»، کلینجر (۲۰۰۳) «ارتباط بین سبکهای یادگیری یادگیرندگان بزرگسالی که در دوره های آنلاین دانشگاه (PACE) ثبت نام نموده اند و موفقیت و رضایت از این یادگیری در شهر نیویورک» و یانگ (۲۰۰۳) «میزان اطمینان از کیفیت یادگیری وب محور در مؤسسه های آموزش از راه دور»

د- نیز تحقیقاتی در زمینه استانداردهای لازم و مکفی در نظام یادگیری باز و از راه دور همچون:

یازرنیا و همکاران (۲۰۰۲) «پرورش استانداردهای آموزش با استفاده از راههای آموزش و پرورش» و بلنگر (۲۰۰۱) «یادگیری با استفاده از فن آوری اطلاعات»

و نیز مطالعاتی در خصوص مبانی معرفت شناسی آموزش از راه دور نظیر:

مطالعات راگازا «معرفت شناسی فراشناختی - یک توانایی ضروری برای آموزندگان آنلاین» و فین هالس (۲۰۰۵) «همکاری برای ایجاد ظرفیتها از طریق ICT، بر نامه های

آموزش از راه دور: تحقیقی برای پیوستگی معرفت شناسانه بین طراحی و عملکرد آنها».

تحقیقات حیطة اول تحقیقاتی مقایسه ای (بین دو نظام) هستند که در واقع در پی دلایلی برای اثبات و یا انکار برتری یکی از دو نظام بر دیگری می باشد و در این نوع تحقیقات به نتایج مثبت و منفی هر دو نظام اشاره خواهد شد. با توجه به محوریت این نوع تحقیقات ملاحظه می شود که این گروه شباهت چندانی با موضوع تحقیق حاضر ندارند. تحقیقاتی که در گروه دوم، سوم و چهارم از تحقیقات در زمینه آموزش از راه دور جای می گیرند، گستره استفاده از این نوع نظام، عوامل مؤثر در رد یا پذیرش و یا استانداردهای مؤثر در بکارگیری این نوع آموزش با کیفیت بالا را مورد بررسی قرار می دهند.

بنابر این از بین چهار گروه ذکر شده، گروه دوم، سوم و چهارم به تحقیق حاضر نزدیکی بیشتری داشته چرا که هر سه گروه از این تحقیقات عوامل مؤثر و کمک دهنده ای را در زمینه توسعه حیطة کاربردی، بهبود دیدگاه و ارتقاء کیفیت آشکار می سازند که در واقع هر کدام از این عوامل نیز خود به دیدگاه و رویکرد معرفت شناختی خاصی مرتبط هستند و از آن سر چشمه گرفته اند. اما در مورد آخرین گروه از تحقیقات می توان گفت که با موضوع تحقیق حاضر همخوانی بالایی دارند، با این تفاوت که به بررسی مبنای معرفت شناختی بطور کلی و نه در قالب نسلهای مختلف نظام پرداخته اند.

آموزش از راه دور تا مدتها پس از آغاز فعالیت رسمی خود که به اواسط سده نوزده میلادی بر می گردد بدون تکیه بر یک تئوری مدون و مبتنی بر ویژگیهای آموزش از راه دور، با استفاده از رسانه های مختلف که حاصل پیشرفتهای سریع و روز افزون تکنولوژی ارتباطات بود، همچنین با استفاده از راههای متعددی که در زمینه انتقال پیام کشف و در اختیار نظام آموزش از راه دور قرار می گرفت، به هزاران هزار مشتاق ورود به آموزش عالی و در برخی از کشورها در سطوح پایین تر که به لحاظ محدودیت توسعه و گسترش نظام آموزش سنتی یا به هر دلیل دیگر از دستیابی به آن محروم بودند، فرصتهای مناسب تحصیلی فراهم کرده و آنها را با آرمانها و آرزوهای خود قرین ساخته است. البته این سخن، بدان معنی نیست که سیستم یاد شده از هیچ قالب و چارچوب علمی استفاده نکرده و بر قاعده و اصولی استوار نبوده است. چون اگر چنین می بود نمی توانست در کنار بی قاعدگیها به موفقیتهای آنچنان عظیم در کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت نائل آید و بخش مهمی از وظیفه تربیت و باز آموزی نیروهای متخصص را بر عهده داشته باشد یا بیشترین خدمات آموزشی را بویژه در سطح دانشگاه به جوامع ارائه دهد. البته یادآوری این نکته لازم است که عدم تکیه نظام آموزش از راه دور بر تئوری مبتنی بر ویژگیهای خاص آن هیچگونه مانع و رادعی را بر سر راه پیشرفت آن به دلایلی که در زیر به آنها اشاره می شود بوجود نیاورده است:

الف. رسانه های مورد استفاده در نظام با توجه به طبیعت آنها واجد قابلیتهای لازم بودند و ارائه دهندگان بر نامه های آموزشی و بهره مندان از آنها ناتوانی آنها را در رساندن پیامهای آموزشی احساس نکرده و خود را با مشکل آموزش که ناشی از طبیعت رسانه باشد، مواجه ندیده اند.

ب. برخی نا رسانیهای نظام آموزش سنتی که مولود طبیعت آن است در این شیوه از آموزش که باز به طبیعت آن بر می گردد، از بین رفته و زمینه را بر مقبولیت آموزش از

راه دور فراهم ساخته است (بری فر، ۱۳۷۱). در کنار این واقعیتهای که پرداختن به تئوری را لاف برای مدتی از اذهان دست اندرکاران آن دور نگه می داشت، عوامل دیگری نیز وجود داشتند که تأخیر در آن را سبب می شد. در میان این عوامل ویژگیهای خاص جامعه انگلیس و اعتقادات سنت گرایی آنان که مبتکر این شیوه از آموزش در جهان بودند و نیز نظرات دست اندرکاران اولیه آن که علاوه بر سنت گرایی خود، کسب تجارب لازم و شناسایی دقیق عناصر تئوری را برای برپایی آن ضروری می دانستند، از عوامل عمده تأخیر بحساب آمده است. در حقیقت می توان گفت که نظام آموزش از راه دور پس از گذشتن از صافیهای زیاد و درک واقعیتهای نهفته در آن به تئوری مدون و تجربه شده ای دست یافته است. علی رغم توانائیهای ملموس نظام آموزش از راه دور، این نظام در تمام جوامعی که مطرح شده از طرف سنت گرایان مورد انتقاد قرار گرفته است و هنوز هم از نظر خیلی ها در پرده ابهام قرار دارد. از آنجا که منتقدان نظام آموزش از راه دور آن را فاقد بنیانهایی علمی می دانستند، لازم می آمد که معتقدان نظام برای توجیه مبانی علمی «آموزش باز» که بر قابلیت های علمی ابزار آموزشی منتخب استوار بود، به تدوین یک نظام نظری مبادرت کنند. بنابر این پس از گذشتن از یک مرحله تجربی پر بار به تدوین و تبیین مبانی نظری خود پرداختند و اصول کلی یا چاقوب سیستمی آن را بر شمردند.

نکته یی که لازم است در اینجا بعنوان یک تذکر بدان اشاره شود، این است که در ساختن تئوری مورد نظر مواد و مصالحی که متفاوت از عناصر اصلی فرآیند آموزش باشد، بکار نرفته و قالب جدید با استفاده از عناصر فرایند آموزش به مفهوم عام آن بوجود آمده است. به این معنی که نظام آموزش از راه دور و ساختار ویژه آن با مدخلیت اصول حاکم بر نظام آموزش سنتی شکل یافته و ضمن حفظ بنیانهایی فرآیند آموزش از عناصر تازه ایی نیز در شکل دادن به ترکیب مورد نظر استفاده شده است (همان منبع). با توجه به مطالب فوق، تدوین تئوری مورد اشاره، لاجرم با تکیه بر سه محور؛ «مبانی فلسفی آموزش و اصول سیاست گذاریهای آن»، «تئوری ارتباطات با تأکید بر مسأله دیالوگ یا پرسش و پاسخ» و «تئوری پخش و روشهای اجرایی» مدون خواهد شد.

با توجه به آنچه ذکر شد نظام آموزشی مورد جستجو باید با قابلیت گسترشی خود جوابگوی نیازهای آموزشی باشد که اگر آموزش از راه دور بتواند به مشکلات گسترشی آن و تأمین شرایط گفت و شنود یا پرسش و پاسخ و اجرای برنامه های آموزشی مبتنی بر اهداف از پیش تعیین شده فائق آید، قادر خواهد شد بعنوان یک نظام مبتنی بر پایه های علمی شناخته شده و مبانی نظری خود را عرضه نماید (همان منبع) که این مهم مسلماً با تکیه بر مبانی فلسفی خاصه مبانی معرفت شناختی در نظام آموزشی هر جامعه بدست خواهد آمد.

بنابر این و با عنایت به مباحث فوق، مسئله اساسی پژوهش حاضر، تجزیه و تحلیل مبانی معرفت شناختی سه نسل نظام آموزش از راه دور است تا بدین وسیله نقاط توجه و قوت این نظام در سه نسل مذکور از منظر مبانی معرفت شناختی آن ها مشخص شود. بر این اساس سه سوال پژوهشی ذیل طرح و مورد بررسی واقع شده است:

- ۱- مبانی معرفت شناختی رویکرد غالب در نسل اول آموزش از راه دور کدام است ؟
- ۲- مبانی معرفت شناختی رویکرد غالب در نسل دوم آموزش از راه دور کدام است ؟
- ۳- مبانی معرفت شناختی رویکرد غالب در نسل سوم آموزش از راه دور کدام است؟

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی و از نوع تحلیل اسنادی می باشد با توجه به موضوع تحقیق حاضر، ضمن مراجعه به منابع مختلف اعم از فارسی و لاتین و گردآوری مطالب و اطلاعات مورد نظر از طریق مطالعه ی آثار ، کتب و پیشینه و پژوهش های انجام شده، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و برقراری ارتباط بین آن ها به بحث و نتیجه گیری پیرامون سؤال تحقیق پرداخته شده است.

یافته های پژوهش

۱- بررسی سؤال اول پژوهش

اولین سوال پژوهش عبارت بود از اینکه «رویکرد معرفت شناختی غالب در نسل اول آموزش از راه دور کدام است؟». در ابتدا اشاره می کنیم به اینکه اگر بخواهیم این سه دوره را با رویکرد معرفت شناختی و روانشناسی غالب در هر دوره معرفی کنیم شاید طبقه بندی سلز^۱ مطابق جدول زیر گویا باشد .

جدول ۳-۱. دوره های تحول رشته تکنولوژی آموزشی (منبع: سلز(۱۹۹۷)، صص. ۲۱-۱۲)

دوره سوم ۱۹۹۰-	دوره دوم ۱۹۶۰-	دوره اول ۱۹۰۰-	
----------------	----------------	----------------	--

^۱ . Seels

حال	۱۹۸۰	۱۹۵۰	
انتقادی (Critical)	تعبیری (Interpretative)	اثبات گرایی (Positivism)	رویکرد معرفت شناسی
ساخت گرایی، پسامدرن (Constructivism) (postmodern)	شناخت گرایی (Cognitivism)	رفتار گرایی (Behaviorism)	رویکرد روان شناسی

و اما دوره اول، دوره تکنولوژی ابزاری است^۱ که در این دوره، رسانه ها، ابزاری برای غنی کردن دوره های آموزشهای سنتی اند. در حقیقت سده بیستم سده رشد سریع علوم، بویژه علوم تجربی و پیامدهای فنی آن یا فناوری است و آثار آن به صورت اکتشافات و اختراعاتی نظیر کشف نیروی اتم و شکافتن آن (۱۹۲۴)، اختراع هواپیمای جت (۱۹۳۰)، تلویزیون (۱۹۳۰) و نظایر آن در نیمه دوم قرن و کشف لیزر (۱۹۵۷)، سفر به فضا (۱۹۵۷) و ابداع رایانه و اینترنت (از ۱۹۴۳ به بعد) است. این پیشرفتهای که به برخی از آنها اشاره شد و بیشتر در غرب و به دست غربیان صورت گرفته اگر بیشتر نباشد، به اندازه همه پیشرفتهای علمی و فنی است که عالم بشری طی قرنهای گذشته است (کاردان، ۱۳۸۱، ص ۱۹۱). در این دوران در قلمرو آموزش و پرورش نیز گرایشهای نیرومندی بسوی نوآوری مشاهده می شد. این امر در آموزشهای عالی، علوم تجربی و مهندسی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و آنها به تدریج به صورت کانونهای اصلی پژوهش و نوآوری جلوه گر شدند. به طوریکه این پیشرفتهای در اندیشه تربیتی و تکوین و گسترش نظام های آموزشی نیز مؤثر افتاده است (کاوشی پیرامون ...، بی نام، بی تا).

صنعتی شدن کشورها و نیاز روز افزون آنها به نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده باعث شد به آموزش بزرگسالان بیشتر توجه شود و برنامه های بسیار گسترده ترویج

^۱. tools' technology

کشاورزی در دانشگاهها فعالیت آموزش بزرگسالان در این قبیل کشورها را رونق بخشید. با وقوع جنگ ها، ضرورت آموزشهای نظامی مطرح شده و با توسعه فناوری نظامی و تحولات اساسی آن، دوره های کارآموزی و بازآموزشی در زمینه آموزش نظامی در اختیار مردم قرار گرفت. در چنین شرایطی و با توجه به این امر که علم پوزیتیویستی معرف رواج مدرنیسم گردیده بود، بدون تردید می توان گفت که در ابتدای قرن بیستم رویکرد معرفت شناسی غالب خصوصا در حیطه مسائل آموزشی رویکرد اثبات گرایی بود که مبانی معرفت شناختی آن در پاگیری مرحله نخستین نظام آموزش مکاتبه ای و بر نامه ای بسیار دخیل بوده است. حقیقت این است که نیاز به وجود ارتباط چهره به چهره بین معلم و شاگرد، کلاس درس، کتابخانه و تجهیزات آزمایشگاهی در نظام آموزش سنتی عواملی هستند که توسعه آموزش را محدود می سازند. به همین دلیل این ضرورت احساس شد تا در جستجو، آزمایش و به کارگیری شیوه های جدیدی باشیم که موجب افزایش کارایی و همزمان کاهش هزینه های آموزشی شوند که در راه نیل به این اهداف «آموزش باز و از راه دور» راه حل امید بخشی در زمینه مشکلات جوامع مختلف بود (همان منبع).

ونکته دیگری که می توان آن را از ویژگیهای مهم نظام آموزش از راه دور دانست، توجه و اهمیت دادن به استقلال فراگیر است (مور، وردین و کلارک) که همان طور که قبلا هم اشاره شد این مهم در بین رفتارگرایان (مخصوصا برای اسکینر) بحثهای زیادی را برانگیخته بود و توجه به همین مسأله بود که بنای آموزش بر نامه ای و ماشین آموزشی و به تبع آن یادگیری انفرادی را نهاد. در حقیقت یکی از ارکان نظام آموزش از راه دور را می توان توجه به ظرفیتهای فردی فراگیران و تنظیم سرعت یادگیری با تواناییهای تک تک آنها نام برد، آنچه که در کلاسهای درس سنتی رعایت نمی شود و نادیده گرفته می شود و این توجه به تفاوت در تواناییهای شخصی و عمومی همان است که از سوی وردین و کلارک با عنوان مفاهیم توانش تخصصی و عمومی مطرح شده است. اما مسأله ای که در آموزش های برنامه ای و یا ماشین آموزشی مطرح است جزء جزء کردن محتوا و تعیین گامهای آموزشی کاملا برنامه ریزی شده و از قبل تعیین شده می باشد که این تجزیه محتوا به اجزای بسیار کوچک رفتاری و عینی مخصوصا در آغاز آموزش به دلیل همان باور رفتارگرایان به این اصل است که باید مخصوصا در آغاز یادگیری فراگیر با سرعت پاسخ یا واکنش مثبت یا منفی مناسب را در یافت کند و اینکه حتما پاسخ باید در تمام مراحل حتی مراحل نهایی یادگیری جنبه بیرونی و عینی داشته باشد. همین اعتقاد به ارائه پاسخ فوری و درست باعث شد که آنها آموزش برنامه ای مخصوصا در ارائه به روش ماشین آموزشی را تدارک ببینند و به آن توجه زیادی نشان دهند.

بطور خلاصه باید گفت در ابتدای قرن بیستم رویکرد معرفت شناسی اثبات گرایی تقریبا بر روند ایجاد ورشد تمام رشته های علمی حکمفرما بود و رشته تکنولوژی آموزشی که در آن زمان تنها با عنوان «سمعی و بصری» شناخته می شد از این قاعده مستثنا نبود. این رویکرد بر وجود دانش مستقل از ذهن شاگرد تأکید می کرد و بر این اساس وظیفه آموزش را انتقال این دانش به ذهن شاگرد می دانست و ارزشیابی نیز بر قضاوت درباره میزان دقت این کسب دانش مبتنی بود. این رویکرد عینیت گرا به وجود برداشتهای مختلف از آموزش

در افراد اذعان داشت ولی هدف آموزش را دستیابی به برداشت صحیح یا همان برداشت معلم می دانست. رویکرد روان شناسی مؤثر در این نسل رویکرد رفتارگرایی بود. (فردانش، ۱۳۸۴). ویژگیهای رویکرد اثباتگرایی و مدرنیسم در جدول زیر خلاصه شده است.



نمودار ۱. ویژگیهای رویکرد اثباتگرایی و مدرنیسم

۲- بررسی سؤال دوم پژوهش

دومین سوال پژوهش عبارت بود از اینکه « رویکرد معرفت شناختی غالب در نسل دوم آموزش از راه دور کدام است؟ ».

در ارتباط با سؤال دوم باید گفت رویکرد مؤثر در حیطه زمانی مربوط به نسل دوم نظام آموزش از راه دور که در حوزه تفکر و عمل نظامهای و رویکردهای مختلف زندگی من جمله نظام آموزشی و رویکرد روان شناسی این دوران تأثیرات زیادی بجا نهاد و در نهایت منجر به شکل گیری نسل دوم نظام آموزش از راه دور گشت رویکرد معرفت شناختی تعبیری یا تفسیری (هرمنوتیک) می باشد.

درحقیقت آنچه به شکل گیری این پارادایم کمک نمود اعتقاد بسیاری از جامعه شناسان به وجود شکاف بین جامعه شناسی آموزش و پرورش سنتی و نوین و تحقیقاتی بود که در خلال اواخر ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰ در این زمینه صورت گرفت و در نهایت مقالات ارائه شده به کنفرانس انجمن جامعه شناسی انگلستان در سال ۱۹۷۰، منادی پیدایش این رهیافت جدید تفسیری بودند که در حوزه آموزش و پرورش این به معنای مطالعه فرآیند تعامل در کلاس درس، استفاده از شناخت، محتوای آموزش، فضای کلاس و نظایر آن است (شارع پور، ۱۳۸۳).

به طور کلی رویکرد معرفت شناسی تعبیری به عنوان یک فلسفه معتقد به اصالت انسان و ادراک او است و بیشتر بر تحلیل های کیفی و بر محور تحلیل های زبانی تأکید دارد؛ این تأکید در مقایسه با تأکید اثبات گرایی بر پدیده های مشاهده پذیر در تقابل قرار می گیرد. تعبیر گرایان هدف علم را درک یا فهم می دانند و نه تبیین، گرچه تبیین نیز می تواند در فرایند تفسیر و تعبیر مفید واقع شود. به هر حال رویکرد تعبیری هیچ گاه به صورت رویکرد غالب در رشته تکنولوژی آموزشی مطرح نبوده است. ولی ظهور و گسترش این رویکرد فلسفی و معرفت شناسی، سؤالهای زیادی در زمینه پدیده ای غیر قابل مشاهده در تحقیقات تربیتی فراهم کرد و نیز منشاء رشد و نمو مکتب روانشناسی شناخت گرایی شد که بطور کلی تأثیر همه این عوامل را می توان در شکل گیری دومین نسل نظام آموزش از راه دور مشاهده نمود (فردانش، ۱۳۸۴).

به طور خلاصه باید گفت: آنچه که در نسل دوم نظام آموزش از راه دور بر آن تأکید شد و تعبیر گرایان و روان شناسان شناختی بر آن دست نهادند، چگونگی و کیفیت روابط و تبادلات آموزشی بود و اینکه این تبادلات باید بر مبنای فهم و درک مطالب در جریان ارتباطات باشد. آنها همانند نظریه پردازان نظام آموزش از راه دور به این نکته واقف بودند که هنگامی که فراگیر و معلم از لحاظ زمانی و مکانی در دو موقعیت متفاوت قرار دارند باید از فناوری به نحو احسن برای پر کردن این فاصله و حمایت از فراگیر کمک گرفت، در چنین شرایطی است که دیگر فناوری و تکنولوژی آموزشی نقش کلیشه ای خود را به عنوان وسایل کمک آموزشی که بدون آن هم در شیوه سنتی آموزش در جریان خواهد بود از دست

می دهد و به عنوان محور اصلی آموزش مطرح می گردد. به همین دلیل نظریه پردازان فناوری و آموزش از راه دور را طوری به هم وابسته می دانند که به هیچ رو نمی توان آنها را از هم جدا نمود.

با این تعاریف می توان نظام آموزش از راه دور را واقعا حاصل و پیامد جامعه صنعتی دانست، چرا که صنعتی شدن پدیده ای است که تمام جنبه های زندگی انسان را به طور بنیادی تحت تأثیر قرار می دهد. اگر چه متاسفانه مقایسه نظام آموزشی در جوامع صنعتی با سایر جنبه های زندگی نشان دهنده عدم تحول مناسب این بعد حیاتی زندگی است، چرا که در بسیاری از کشورها حتی صنعتی شده، هنوز ترس از استفاده از فناوریهای پیش رفته در نظام آموزشی به چشم می خورد. با این همه اصولی را که نظام آموزش از راه دور را می توان با آن از نظام آموزشی سنتی جدا نمود و نظام آموزش از راه دور بر پایه آنها بنا شده می توان برگرفته از اصول صنعتی دانست. اصولی همچون برنامه ریزی، عقلانیت، تقسیم کار، ماشینی و خود کار شدن امور و ... و از همه مهمتر پیدا کردن سیستمی همچون کامپیوتر برای ساده سازی و فهم فرآیندهای شناختی و پیچیده ذهنی انسان. با این همه این نظامی بود که بر این مبنا بنا شده بود که به فراگیران استقلال و آزادی کامل در امر یادگیری را هدیه کند تا هر کسی بتواند بر اساس کمیت و کیفیت فرآیندهای شناختی اش به امر یادگیری اشتغال یابد. اصولی که در بالا به آنها اشاره شد، در واقع در مباحث محتوایی تکنولوژی آموزشی در دوره دوم خود رادر قالب هدفهای آموزشی و ارزشی نشان دادند .

به هر صورت از آنجا که پارادایم تفسیری بر عوامل اجتماعی مؤثر بر فرآیند تولید و کنترل شناخت تأکید دارد، لذا فقط به مشکلات مربوط به برقراری تفاهم و ارتباط که تنها شامل دسته بندیهای پیامهایی که توسط رسانه های گوناگون فرستاده می شوند نمی پردازد، بلکه شامل رمز گشایی و تفکیک نمودن تصویر از واقعیت نیز می شود. پارادایم تفسیری در صورتی که با دیدی همه جانبه و نه در چارچوبی تنگ نظران به ایفای نقش خود پردازد، قادر به خنثی سازی تبلیغاتی که در جامعه توده وار سعی دارند تا بر عقاید و تصمیمات مردم تأثیر گذارند، بوده و از طرف دیگر می تواند به بررسی محتوای شعارهای فراوانی که جامعه را نیز در بر گرفته اند پردازند. رویکرد تفسیری می تواند با روشن ساختن زبانی که در موقعیتهای آموزشی و یادگیری به کار می رود خدمتی را انجام داده و در این رهگذر با ابهام زدایی از اصطلاحات تخصصی که غالباً نوشته های تربیتی و سایر علوم اجتماعی را مختل می سازد به مطالعه محیطهای یادگیری، تعامل بین معلم و فراگیر و زبان مورد استفاده در کلاس درس پردازد که رویکرد روان شناسی هماهنگ در این زمینه را می توان رویکرد شناخت گرایی نامید (کاوشی پیرامون ...، بی نام، بی تا).

برای ویژگیهای رویکرد هرمنوتیک می توان جدول زیر را رسم نمود

اشاتگ اء

توجه به شرایطی که شناخت در آن صورت می پذیرد .

توجه به زمینه ها و شرایط ایجاد (رمزگذاری) و دریافت پیام

توجه به تفاوت بشر، فرضها و تحارب افراد در تفسیر و اقصیت و

توجه بیشتر به فرایندهای درونی نسبت به فرایندهای بیرونی برعکس رویکرد فلسفه

نمودار ۲. ویژگیهای رویکرد هرمنوتیک

۳- بررسی سؤال سوم پژوهش

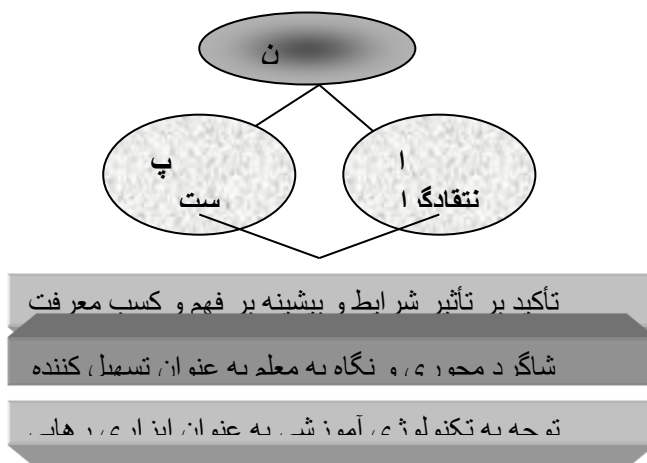
سومین سؤال پژوهش عبارت بود از اینکه « رویکرد معرفت شناختی نسل سوم نظام آموزش از راه دور کدام است؟ ».

در ارتباط با سؤال سوم که مربوط به رویکرد معرفت شناختی نسل سوم نظام آموزش از راه دور می باشد باید گفت شرایطی که نسل سوم نظام آموزش از راه دور در آن شکل گرفت شرایط تسلط و غلبه رویکرد معرفت شناختی انتقادی در جنبه های مختلف نظام فکری و فرهنگی بود. رویکردی که با دیدی انتقادی همه جوانب زندگی بشر پیشرفت را بررسی و تجزیه و تحلیل نموده و در پی افکندن طرحی نو، آرمانی و مطلوب برای زندگی بشرا امروز می باشد. در واقع رویکرد انتقادی به زعم طرفدارانش به دنبال پر کردن فاصله بین رویکرد اثبات گرایی و رقیب آن یعنی رویکرد تعبیری است و از رویکرد اثبات گرایی برای آنکه آن را تحویل گرایی می نامند و از رویکرد تعبیری برای آنکه نسبی گرایی ضمنی مستتر در دیدگاه معرفت شناسی است انتقاد کردند و اینچنین بود که زمینه برای رشد رویکرد انتقادی فراهم آمد. این رویکرد با جهت گیری های سیاسی خود به سلطه علم، تکنولوژی و دیوانسالاری که از شاخه های سرمایه داری است معترض و معتقد است که در این شرایط احتمال طرح سؤال درباره هنجارها و ارزشهای اجتماعی و « زندگی خوب » در عرصه اجتماعی از بین می رود و بنابر این رویکرد انتقادی با طرح این سؤالها که محور اصلی مباحث آن را تشکیل می دهد منجر به آزادی و رهایی افراد از عقاید نادرست و غلبه بر جور و ستم می شود. متفکران این رویکرد معتقدند که فلسفه باید در خدمت این مبارزه و جنبش اجتماعی قرار گیرد. به هر حال آنچه در این قسمت به بررسی و تجزیه و تحلیل آن خواهیم پرداخت نحوه شکل گیری، افکار، اقدامات و تأثیرات این نحله فکری بر اندیشه ها، نظامها و سایر مکاتب فکری

هم عصرش همچون رویکرد روان شناسی ساخت گرا، نظام آموزش و پرورش و در نهایت نظام آموزش از راه دور در سومین نسل آن می باشد

دوره سوم، دوره تکنولوژی متفکرانه می باشد^۱ که دارای خصوصیات زیر است :

۱. به رسمیت شناختن انواع دانش حاصل از منابع علمی سنتی و دانش حاصل از تجربه ؛
۲. مبتنی بودن بر دانش نظری و دانش عملیاتی و مقدم دانستن دانش نظری بر عملی ؛
۳. به کار گیری انواع دانش بر اساس یک دیدگاه ارزش شناسی مشخص؛
۴. متفکرانه بودن به معنای تعمق درباره تکنولوژی بعد دانش و ارزشها) و محصولات آن (بعد طرحها و مواد) (فردانش، ۱۳۸۴). جدول زیر نگاهی گذرا به ویژگیهای نسل سوم را ارائه نموده است.



^۱ . reflective technology



نمودار ۳. ویژگی‌های رویکرد انتقادی و پست مدرنیسم

به طور کلی انتقادات، توصیه‌ها و راهکارهای رویکرد انتقادی با حال و هوای آموزش از راه دور نسل سوم و گسترش وسیع ارتباط از طریق شبکه جهانی وب بسیار متناسب به نظر می‌رسد، چرا که این رویکرد با همه کم و کاستی‌هایش می‌تواند افراد و جوامع را در این دوره استفاده‌ی رویه و شتاب زده علاوه بر نکات مثبت به نکات منفی تکنولوژی خصوصاً در زمینه آموزش هشیار سازد و به اهداف و آرمانهایی که نظام آموزش باز و از راه دور به خاطر آن شکل گرفت و در نظریه‌ها و مبانی آموزش از راه دور بر آن تأکید شده، یعنی ایجاد امکان تحصیل برای همه هر جا و هر زمان با کمک امکانات ارتباط از راه دور و تکنولوژی و فناوری روز جامعه عمل پیوندد که البته این مهم طبق نظر طرفداران رویکرد انتقادی، روان‌شناسی ساخت گرا بدون توجه به این مهم که ارتباطات باید سالم و بدور از هر گونه جهت‌دهی و سوگیری و رابطه مبتنی بر استثمار باشد به دست نخواهد آمد.

بحث و نتیجه گیری

همان گونه که ملاحظه گردید، تحقیق حاضر به تبیین مبانی معرفت شناختی نظام آموزش از راه دور پرداخته است. نظام آموزش از راه دور در هر نسل خود از یک رویکرد معرفت شناختی غالب تبعیت می کند و هر کدام از این رویکردهای معرفت شناختی در نتیجه یک سری عوامل زمینه ساز ایجاد شده و نقش آفرینی کرده اند و در این راه در هر نسل یک مکتب روان شناسی نیز با آنها همراهی نموده و در کنار هم موجبات پدید آمدن نسل های مختلف نظام آموزش از راه دور را فراهم آورده اند (کاوشی پیرامون ...، بی نام، بی تا) که این رویکردهای معرفت شناختی ذیل سؤالات سه گانه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته اند و منظور از نسلهای سه گانه نظام آموزش از راه دور تقسیم بندی عمر تقریباً ۱۵۰ ساله این نظام به سه دوره یا سه نسل می باشد که معیار آن توفیق یک رویکرد معرفت شناسی و روان شناسی بارز و نیز تکنولوژی به کار رفته در سیستم نظام آموزش از راه دور آن دوره می باشد که در محدوده سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۵۰ رویکردهای اثبات گرایی و رفتاری و تکنولوژی ابزاری، دوره دوم ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ دوره رویکردهای تفسیری و شناخت گرا و تکنولوژی نظامها و دوره سوم دوره رویکردهای انتقادی و ساخت گرا و تکنولوژی متفکرانه معیار تقسیم بندی و مرز بندی نسلها را به وجود آوردند (فردانش، ۱۳۸۴). البته ذکر این نکته ضروری است که این مرزبندی به معنای عدم حضور رویکردها و یا ابزارهای نسلهای قبل در نسل جدید نیست بلکه به معنی مؤثر تر بودن و بارزتر بودن آن می باشد و در هر نسل ادامه ای از تأثیر نسل قبل را می توان مشاهده نمود.

و اما در توضیح معرفت شناسی می توان گفت که به اصطلاح ساده معرفت شناسی فلسفه دانش و یا چگونگی رسیدن ما به دانش است مجال طرح سؤالاتی از قبیل سؤالات زیر را فراهم می آورد:

- چه ارتباطی بین یادگیرنده و آنچه دانسته می شود وجود دارد؟

- ما چگونه می فهمیم که فهمیده ایم؟ (از چه راهی از یادگیری خود مطلع می شویم) (کراس، ۲۰۰۵)

از آنجا که این نظام آموزشی به طور وسیعی با اکتشاف و انتقال معرفت سر و کار دارد و از طرفی معرفت شناسی نیز بنیادهای معرفت را تعریف می کند، و در این حوزه سؤالات مهمی را مطرح می سازد که رابطه نزدیکی با روشهای تدریس و یادگیری دارند، لذا در اینجا سعی شده تا استلزامات دیدگاههای معرفت شناسی مؤثر در هر نسل و نحوه تأثیر گذاری آن مشخص گردد.

در این تحقیق، ابتدا به مرور اجمالی تاریخچه و مبانی نظری نظام آموزش از راه دور پرداختیم، چرا که برای شناسایی هر نظام آموزشی نیاز به شناخت عوامل زمینه ساز

تاریخی و بنیانهای فکری و منابعی است که آن نظام از آنها تغذیه نموده است. در ادامه نسل های آموزش از راه دور را در غالب سه نسل توضیح داده ایم و سپس به بررسی هر یک از نسلهای پرداخته ایم و اشاره داشتیم به اینکه در این زمینه به گردآوری پیشینه مطالعاتی و تحقیقات انجام شده نیز پرداخته شد. در اینجا به جمع بندی نتایج و یافته های تحقیق پرداخته و در مورد هر یک به بحث و نتیجه گیری می پردازیم.

۱- مبنای معرفت شناختی نسل اول نظام آموزش از راه دور

با توجه به طبقه بندی سلز (۱۹۹۷) در مورد دوره ها و نسلهای تحول رشته تکنولوژی آموزشی (فردانش، ۱۳۸۴) و بررسی های انجام شده در (کاوشی پیرامون ...، بی نام، بی تا) می توان به این نتیجه رسید که رویکرد معرفت شناسی و روان شناسی مؤثر و همزمان با نسل اول نظام آموزش از راه دور رویکرد اثبات گرایی و رفتارگرایی می باشد. در مورد نسل اول نظام آموزش از راه دور باید گفت از آنجا که در ابتدای قرن بیستم (۱۹۵۰-۱۹۰۰)، رویکرد معرفت شناختی اثباتگرایی تقریباً بر روند شکل گیری کلیه رشته ها غالب بود، لذا در این رهگذر نیز کلیه نمایه های این نظام از این قاعده مستثنی نمانده اند (کاوشی پیرامون ...، بی نام، بی تا). تأثیرات رویکرد اثبات گرایی در نسل اول نظام آموزش از راه دور و مدرنیسم و نیز باورهای روان شناسی رفتارگرا را با برشمردن و تجزیه و تحلیل ویژگیها و آراء این رویکرد به روشنی می توان فهمید. ویژگیها و باورهای معرفت شناختی اثبات گرایان را که در تحقق نسل اول نظام آموزش از راه دور مؤثر بوده اند می توان به صورت زیر خلاصه نمود:

۱- دانش مستقل از ذهن فراگیر است و وظیفه معلم و نظام آموزشی انتقال دانش و واقعیت است (معین، ۱۳۸۵).

۲- تمام نتیجه گیریها در مورد واقعیت بر پایه ملاحظات تجربی استوار است که می توان به طور عمومی آن را متمایز ساخت (دید، شنید، لمس کرد، بو کشید و اندازه گیری کرد) (اسکالز، ۲۰۰۳).

۳- معرفت علمی عاری از ظنات و حدسیات و سرشار از یقینات و بدیهیات است و آرای مورد اختلاف متافیزیکی و تعلقات انفسی جایی در آن ندارند (زیا کلام، ۱۳۸۴).

(

۴- تنها سرچشمه یقین ادراک حسی است (صمدی، ۱۳۴۱).

۵- شناخت در هر موضوعی تنها با مراجعه به علمای آن حیطه و تنها از طریق کار در شرایط کاملاً کنترل شده امکانپذیر است.

۶- ما می توانیم ماهیت واقعیت را بوسیله بررسی یافته های تجربی محققان و تفسیرهای آنان درک کنیم (اسکالز، ۲۰۰۳).

۷- آنچه در تحقیقات باید به دنبال آن رفت خصایص و ویژگیهای عینی و قابل اندازه گیری است .

۸- تلاش و توجه برای تعمیم یافته ها از سطح جامعه به عمق آن (معین، ۱۳۸۵).

۹- تلاش برای کشف روابط پایدار و قوانین از طریق ترکیب مناسب استدلال و مشاهده در هر مورد و توضیح حوادث جزئی از طریق بردن آن در قلب قوانین کلی (کجویان، ۱۳۶۹).

۱۰- افزار وار بودن دیدگاههای پژوهشگران به دلیل اعتقاد به علیتی افزار وار میان پدیده ها (نصر، ۱۳۸۴).

با توجه به آموزه های معرفت شناختی اثبات گرایی که شرح آن گذشت می توان به وضوح پی برد که این مکتب چه تأثیری در شکل گیری نسل اول نظام آموزش از راه دور یعنی نسل آموزش مکاتبه ای و بر نامه ای داشته اند .

به طور خلاصه باید گفت بررسیهای انجام شده در این تحقیق نشان دهنده آن است که آنچه که در شکل گیری نسل اول نظام آموزش از راه دور چه شکل مکاتبه ای و چه شکل آموزش برنامه ای آن مؤثر بوده مبانی معرفت شناختی رویکرد اثبات گرایی می باشد . چرا که مقارن بودن نسل اول با این رویکرد و تجزیه و تحلیل مبانی معرفت شناختی مؤثر این نسل از روند تأثیرپذیری منطقی آن خبر می دهد. سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۵۰ بر اساس بررسیهای انجام شده دوران توفیق عقاید مربوط به عینیت گرایی، تجربه پذیری و توجه به محسوسات بوده است که همه اینها به تأثر از باورهای معرفت شناختی اثبات گرایی بود که همه شناخت و یادگیری را منحصر به محسوسات و فرآورده ها و فرآیندهای قابل مشاهده و اندازه گیری کرده بود و این باور نقطه آغازی برای رفتارگرایان در ساخت و تدوین نظام آموزش مبتنی بر محرک - پاسخ، تقویت شرطی سازی و ... شد که این در کنار باورهای مشترکی همچون تأکید بر اهمیت آموزش و پرورش در مسائل اجتماعی، وجود امکان شناخت مطلق از طریق روش تجربی، توجه به جنبه ها و مراحل بر نامه ریزی صنعتی، برنامه ریزی عقلانی، عینیت گرایی، تأکید بر آموزش و پرورش عمومی، تلاش برای تکوین قوانین عام، تأکید بر تسلط فرهنگ فناوری، تأکید بر تسلط فرهنگی غالب در رویکرد مدرنیسم توانست برای پاسخگویی به نیازهای آموزشی دوران خود نسل اول نظام آموزش از راه دور را پدید آورد .

۱- مبنای معرفت شناختی نسل دوم نظام آموزش از راه دور

طبق نظر سلز و (۱۹۹۷) و (۱۳۸)، نسل دوم نظام آموزش از راه دور همزمان با توفیق رویکرد تفسیری در حوزه های فکری مختلف بوده است. توجه به برخی ویژگیهای مهم این رویکرد می تواند دلایل تأثیرات گسترده این رویکرد را آشکار سازد .

۱- در رویکرد تعبیری اعتقاد به اصالت انسان و ادراک آن می باشد .

۲- بر تحلیلهای کیفی و بر محور تحلیلهای زبانی تأکید دارد .

۳- هدف علم را درک و فهم می داند نه تبیین گرچه تبیین نیز می تواند در فرآیند تفسیر مفید واقع شود.

۴- رویکرد تعبیری هیچ گاه به صورت رویکرد غالب در رشته تکنولوژی آموزشی مطرح نبوده است (کاوشی پیرامونبی نام، بی تا) .

با توجه به ویژگیهایی که ذکر شد در زمینه هرمنوتیک و تعلیم و تربیت باید گفت که هرمنوتیک از سال ۱۹۷۰ به بعد وارد دنیای تعلیم و تربیت شد. بخصوص با توجه به تحقیقات تربیتی، خیزش روشهای کیفی نه فقط قلمرو اهداف تحقیق را گسترش داد، بلکه همچنین زمینه تحقیقات برای آزمون مجدد اصول و اهداف تحقیق اجتماعی را نیز فراهم آورده است .

دیدگاه هرمنوتیک با تکیه بر اصل اساسی فهم و بوسیله تمرکز عمیق روی مفروضات و معانی ای که در هستی روزمره ما وجود دارد، می تواند هم به عمل تعلیم و تربیت و هم به تحقیق تربیتی کمک نماید. یک مربی هرمنوتیک محور می بایست در پی تفسیر معنای اعمال تربیتی و قواعد مربوط به تجربه و مشارکت در اعمال تربیتی باشد. این مربی همچنین به فهم و درک گروههای شاگردان و شیوه های زندگی آنها نیازمند است. مضافاً اینکه او باید به اهمیت فهم متقابل، همچون فهم و درک بین معلمان و شاگردان یا بین دانش آموزان دارای زمینه های مختلف پی ببرد .

در زمینه رویکرد تعبیری و ارتباط آن با رشته تکنولوژی آموزشی نیز باید خاطر نشان کرد که گرچه این رویکرد هیچ گاه رویکردی مطرح در رشته تکنولوژی آموزشی نبوده اما ظهور آن و نکات معرفت شناختی مطروحه در آن، سؤالات زیادی را در زمینه پدیده های غیر قابل مشاهده در زمینه مسائل تربیتی مطرح کرد که با تأثیر رویکرد اثبات گرایی در دوره پیشین و تأثیر آن بر رفتارگرایی مطرح نگشته بود. طرح این مسائل در دوره دوم عصر تکنولوژی آموزشی و آموزش از راه دور زمینه ای شد برای رشد روان شناسی شناخت گرا و به تبع تأثیرات این رویکرد روان شناسی در پیشبرد تکنولوژی آموزشی و نیز نظام آموزش از راه دور (فردانش، ۱۳۸۴) .

بنابر این به طور کلی می توان گفت آنچه از تجزیه و تحلیل ویژگیهای نسل دوم نظام آموزش از راه دور در بعد معرفت شناختی و مبانی معرفت شناختی رویکرد غالب طی سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ به دست می آید وجود همخوانی و یک جریان تأثیر پذیری طبیعی می باشد . در این دوره این اعتقاد وجود داشت که روشهایی که برای آموزش استفاده می شود مانند تولید کالاهای مختلف باید مراحل برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی را به طور دقیق و منظم طی کنند و نظام آموزش از راه دور نیز همان طور که قبلاً اشاره شد یک نوع آموزش

برنامه ریزی شده است که جریان ارتباطی مبتنی بر رسانه های فناورانه بین یاد دهنده و یادگیرنده های آن

برقرار است و در واقع باید گفت این نگاهی است که تحت تأثیر شرایط صنعتی و رویکرد معرفت شناختی فلسفه معاصر با نسل دوم نظام آموزش از راه دور شکل گرفت و تأثیر گذار شد.

۱- مبنای معرفت شناختی نسل سوم نظام آموزش از راه دور

مشخصه اصلی نسل سوم آموزش از راه دور را نیز می توان استفاده گسترده از ICT نامید. این دوره دوره استفاده از تکنولوژیهای اطلاعات و ارتباطات به عنوان پایه و اساس ارتباط دو سویه به صورت همزمان و غیر همزمان می باشد. طبق بررسی (کاوشی پیرامون... بی نام، بی تا) در داخل کشور، طبقه بندی سلز (۱۹۹۷)، و تحقیقاتی که فینبرگ (۱۹۹۱)، بلاکر (۱۹۹۴)، مک ویلیام و تیلور (۱۹۹۸)، تور (۱۹۹۹)، ناتالی و سرواتکا (۲۰۰۲) و مک ایساک (۲۰۰۵) انجام داده اند و تجزیه و تحلیل مبنای معرفت شناختی نسل سوم نظام آموزش از راه دور و رویکرد مقارن با این دوره یعنی رویکرد انتقادی که در این تحقیق انجام شده، نسل سوم آموزش باز و از راه دور یعنی آموزش مجازی متأثر از رویکرد معرفت شناختی انتقادی می باشد. در اسکول (۲۰۰۰) و راگازا (۲۰۰۵) نیز در تحقیقات خود به تأثیر پذیری رویکرد روان شناسی ساخت گرا از مبنای معرفت شناختی رویکرد انتقادی و به نوبه خود تأثیر گذاری این رویکرد روان شناسی در نسل سوم نظام آموزش از راه دور به دلیل هم دوره بودن و توافقات عقیدتی اشاره نموده اند. تحقیقات نشان می دهد نظریه پردازان زیادی در آموزش و پرورش از این نظریه تأثیر پذیرفته و با توجه به هم خوانی مبنای معرفت شناختی بنیادی خود با مکتب روان شناسی ساخت گرایی اغلب این رویکرد را در برنامه ریزی های خود مورد توجه قرار داده اند (فردانش، ۱۳۸۴). رویکرد انتقادی که نمونه بارز آن در عصر حاضر همان مکتب فرانکفورت می باشد پس از رویکرد تعبیری یا تفسیری سومین رویکرد بارز و تأثیر گذار در زمینه تعلیم و تربیت و نظام آموزش از راه دور است که در زمان حاضر در زمینه آموزش و پرورش حرفهای مهمی برای گفتن دارد. از جمله:

۱- نظریه انتقادی، فکر و تصور و استدلال خالص را به مبارزه می طلبد و با توجه به فرهنگ و تاریخ توانایی تغییر خودش را نشان می دهد.

۲- نظریه انتقادی، تصویر فلسفه دکارتی در مورد موضوع عقلانی را که قادر به کنترل جهان می باشد رد می کند.

۳- نظریه انتقادی، بیشتر بر جنبه های عملی علاوه بر جنبه های تئوریک تأکید می کند.

۴- نظریه انتقادی، این موضوع را تصدیق می کند که یک درک هدفمند یا ادراک از راه دور یک دانش مورد نیاز است.

۵- نظریه انتقادی، علوم اساسی انسانی، کارشناسان آموزش دیده علمی و انطباق با اصول عقلانی را تجزیه و تحلیل می کند.

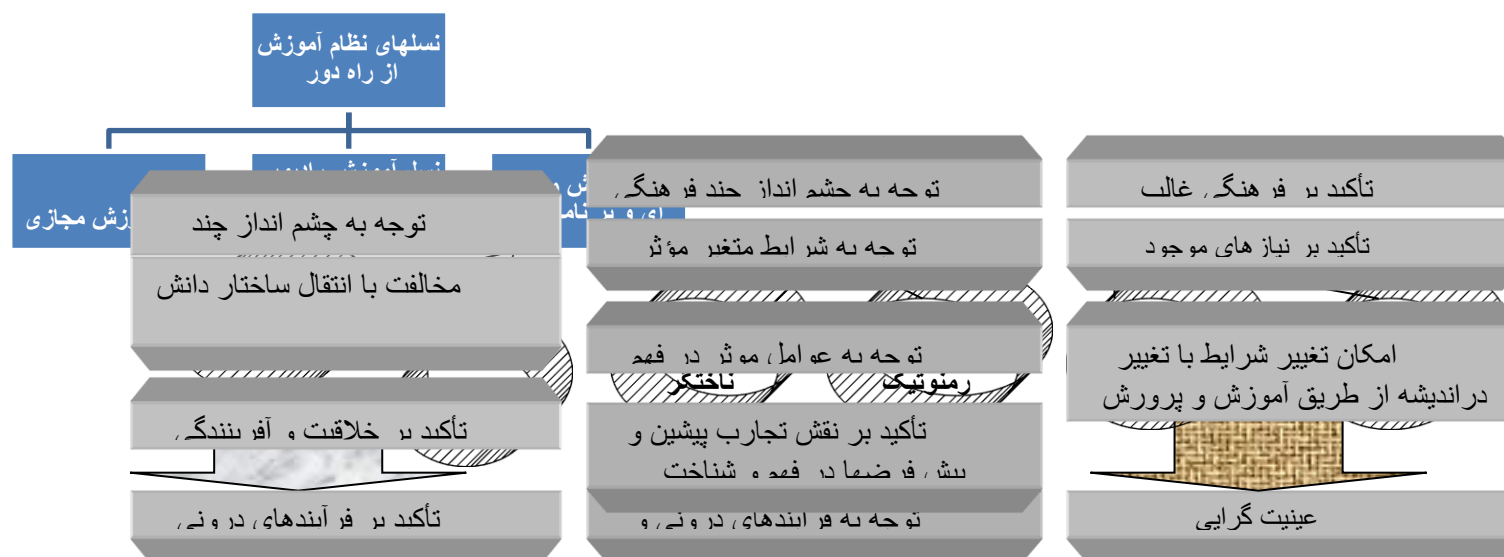
۶- هدف اصلی نظریه انتقادی بوجود آوردن موضوعاتی است که در فرهنگ بدیهی تلقی می شوند.

۷- نظریه انتقادی اغلب ضد اصول عقلانی، اصول اداری و سرمایه داری (آنچه مردم را در مضیقه قرار می دهد) است.

۸- تئوریهای انتقادی به دنبال آشکار کردن تناقضات، نابرابریهای اجتماعی و نفوذ می باشند (تا حدی که منفی باشند) هستند (رندل و ونسا، ۲۰۰۵).

با توجه به ویژگیهای ذکر شده می توان گفت این رویکرد در کنار رویکرد روان شناسی متأثر از خود (ساخت گرایی) وبا کمک ویژگیهای مشترکی همچون تأکید بر تأثیر شرایط و پیشینه بر فهم و کسب معرفت، شاگرد محوری و نگاه به معلم به عنوان تسهیل کننده یادگیری، توجه به تکنولوژی آموزشی به عنوان ابزاری رهایی بخش، تأکید بر برقراری دموکراسی، تأکید بر تربیت شهروند انتقادی، گفتگو محوری، توجه به فرهنگ های مختلف،، توجه به تفاوت افراد، نسبی بودن حقیقت (فراهانی، ۱۳۸۳)، با رویکرد پست مدرنیسم توانست در پاسخ گویی به نیازهای آموزشی دوران خود زمینه ساز و تسهیل کننده نسل سوم نظام آموزش از راه دور باشد.

به طور کلی انتقادات، توصیه ها و راهکارهای رویکرد انتقادی با حال و هوای آموزش از راه دور نسل سوم و گسترش وسیع ارتباط از طریق شبکه جهانی وب بسیار متناسب به نظر می رسد چرا که این رویکرد با همه کم و کاستی هایش می تواند افراد و جوامع را در این دوره استفاده بیرویه و شتاب زده علاوه بر نکات مثبت به نکات منفی تکنولوژی خصوصاً در زمینه آموزش هشیار سازد. در جدول زیر می توانید خلاصه ای از مباحث مطروحه را مشاهده می نمایید



جدایی، فرآیند و معلم

توجه به

نمودار ۴-۴. ویژگیهای رویکردهای شناختی نسلهای آموزش از راه دور

پیشنهادهای پژوهشی

نظام آموزش از راه دور جای بحث و بررسی بسیاری دارد که در این خصوص پژوهشگران کشورمان می توانند در زمینه موضوعات زیر تحقیق نمایند :

- ۱- میزان بهره گیری کمی و کیفی (واقعی) نظام آموزشی کشور در سطوح مختلف از نظام آموزش از راه دور
- ۲- بررسی و تجزیه و تحلیل نظریه ها، پیشنهادات و افکار متعصبان و دست اندرکاران مسائل آموزشی کشور در خصوص ابعاد مختلف نظام آموزش از راه دور
- ۳- ارائه نظریات و راهکارهایی برای بکارگیری بهینه و مناسب این نظام آموزشی در سیستم آموزشی کشور
- ۴- مقایسه بهره گیری نظام آموزش از راه دور کشورمان با سایر کشورها ی پیشرفته در این زمینه
- ۵- بررسی و تجزیه و تحلیل معایب و محاسن کاربرد نظام آموزش از راه دور در سیستم آموزشی کشور
- ۶- بررسی مبانی مختلف فلسفی خاصه مبنای معرفت شناختی نظام آموزش از راه دور و مقایسه آن با مبانی فلسفه آموزشی کشور
- ۷- بررسی و تجزیه و تحلیل علل و زمینه های اساسی پیدایش و پیشرفت نظام آموزش از راه دور به طور کلی و ارائه راهکارهایی برای کاربرد عوامل مثبت آن علل برای پیشرفت نظام آموزش از راه دور در ایران
- ۸- انجام پژوهشهایی در خصوص میزان آشنایی و بهره گیری از فناوریهای آموزشی بین فراگیران نظام آموزش سنتی و از راه دور.
- ۹- بررسی میزان رضایت فراگیران و معلمان و یا اساتید از وضعیت امکانات و فناوریهای نوین آموزشی مراکز آموزشی مشغول به فعالیت

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- احمدی، بابک (۱۳۷۷). *مدرنیته و اندیشه انتقادی*، تهران نشر مرکز.
- ۲- الحسینی، سید حسن (۱۳۸۴). *مقدمه ای بر آموزش از راه دور*، تهران منادی تربیت.
- ۳- امیری، محمد علی (۱۳۶۹). *تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش* (از متن فرانسه)، پاریس (فرانسه)، انتشارات مدرسه. ناشر سازمان بین المللی برای آموزش و پرورش و علوم و فرهنگ (یونسکو).
- ۴- بری فر، منصور (۱۳۷۱). *مبانی نظری آموزش از راه دور*، مجموعه مقالات اولین سمینار تخصصی آموزش از راه دور، تهران دانشگاه پیام نور.
- ۵- حسینی، سید علی (۱۳۸۴). *جزوه منتشر نشده تاریخچه مختصر تکامل آموزش از راه دور*، تهران، مؤسسه آموزش از راه دور.
- ۶- حسن زاده، محمد (۱۳۸۱). *امکان سنجی آموزش از راه دور از طریق اینترنت کتابداری و اطلاع رسانی در ایران* [رساله دکتری] دانشگاه تربیت مدرس.
- ۷- زیبا کلام، سعید (۱۳۸۴). *معرفت شناسی اجتماعی، طرح و نقد مکتب ادینبورا*، تهران، انتشارات سمت.
- ۸- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۱). *فلسفه آموزش و پرورش*، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۹- صالح مقدم، مسعود؛ اسد زاده، فرشته؛ شاقلی، ریحانه (۱۳۸۵). *آموزش از راه دور*، تهران، همیاران جوان.
- ۱۰- صدری طباطبائی، محمد رضا (۱۳۸۰). *امکان سنجی کاربرد آموزش از راه دور برای مدیران کانونهای فرهنگی - هنری مساجد* [پایان نامه کارشناسی]. دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۱- عطاران، محمد (۱۳۸۳). *فناوری اطلاعات بستر اصلاحات در آموزش و پرورش*، تهران، مؤسسه توسعه فناوری آموزشی مدارس هوشمند.

- ۱۲- فردانش، هاشم (۱۳۸۰). **مبانی نظری تکنولوژی آموزشی**، تهران: انتشارات سمت.
 - ۱۳- فولکیه، پل (۱۳۴۱). **خلاصه فلسفه**، مترجم فضل الله صمدی، تهران، انتشارات اقبال.
 - ۱۴- فراهانی، ابوالفضل (۱۳۸۰). "مقایسه عملکرد تحصیلی دانشجویان تربیت بدنی نظام آموزشی حضوری با راه دور و ارائه الگوی برنامه ریزی تربیت بدنی از راه دور"، پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه تربیت مدرس.
 - ۱۵- فرمینی فراهانی، محسن (۱۳۸۳). **پست مدرن و تعلیم و تربیت**، تهران، ناشر آبیژ.
 - ۱۶- کاردان، علیمحمد (۱۳۸۱). **سیر آرای تربیتی در غرب**، تهران، انتشارات سمت.
 - ۱۷-، کاوشی پیرامون دیدگاههای معرفت شناسی نسبت به راهبردهای یاددهی -یادگیری در نظام آموزش باز و از راه دور، مقاله در دست چاپ.
 - ۱۸- کجویان، حسن (۱۳۶۹). "نقش تحصیلگرایی در تکوین جامعه شناسی" رساله دوره دکتری: دانشگاه تربیت مدرس.
 - ۱۹- گال، مردیت؛ گال، جویس؛ بورگ، والتر (۱۳۸۴). **روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی (جلد اول)**، مترجمان احمد رضا نصر و دیگران، تهران، انتشارات سمت.
 - ۲۰- محقق معین، محمدحسین (۱۳۸۵). **آگوست کنت**، شبکه معین علمی، اقتباس از
- WWW.arzeshyaby.ir
- ۲۱- مهرپویا، عباس (۱۳۸۴). **یادگیری بازو از راه دور**. تهران: انتشارات مؤسسه آموزش از راه دور، ویرایش اول، چاپ اول.
 - ۲۲- مهرین، مهرداد (۱۳۴۱). **مکتبهای فلسفی «فلسفه بزبان ساده»**، تهران، ناشر کانون معرفت.
 - ۲۳- نلر، جی. اف (۱۳۸۰). **آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش**، مترجم فریدون بازرگان، تهران، انتشارات سمت.

منابع انگلیسی

- 1-Blacker, D. (1994), " **Philosophy of technology and education: An invitation to inquiry**", Philosophy of Education Society Yearbook, retrieved 30 May, 2006 from: http://www.ed.uiuc.edu/EPS/PESyearbook/94_docs/BLACKER.HTM.
- 2- Davey, K. (1999, Winter), " **Distance learning demystified**", National Forum, 79 (1), 44-46.

- 3- Driscoll, M. P. (2000), "**PSYCHOLOGY OF LEARNING FOR INSTRUCTION**", (2nd ed.). Needleham Heights, MA: Allyn and Bacon.
- 4- Fainholc, Beatriz (2005), "**Collaboration towards creating capacities through ICT, distance education programs: a search for epistemological coherence between their design and its practice**", Universidad nacional de la plata –fundación CEDIPROE.
- 5- Feenberg, A. (1991), "**Critical theory of technology**", New York and Oxford: Oxford University Press.
- 6- Gunawardena, c.N. (2005), "**DISTANCE EDUCATION**", University of New Mexico Marina Stock McIsaac Arizona State University.
- 7- Krauss, S. E. (2005), "**Research paradigms and meaning making: a primer**", The Qualitative Report Volume 10 Number .
- 8- McWilliam, E., & Taylor, P. G. (1998, November), "**Teacher im/material: Challenging the new pedagogies of instructional design**", Educational Researcher, 27 (8), 29-34.
- 9- Natale, R. D. I. (2002), "**Ensuring quality from a distance**", Community College Week, 14 (2), 4.
- 10- Randall G. Nicholls & Vanessa Allen-Brown. (2005), "**CRITICAL THEORY AND EDUCATIONAL TECHNOLOGY**", University of Cincinnati.
- 11- Rogoza, Christina. (2005), "**Epistemic Metacognition - A Necessary Competency for the Online Learner**", Nova Southeastern University.
- 12- Ruhig Du Mont , Rosemary (2002), "**Distance Learning: A Systems View An Assessment and Review of the Literature**" "Funded in part by a grant awarded by the Ohio Learning Network in cooperation with Research Center for Educational Technology Kent State University.
- 13- Schulze, Salomé. (2003), "**Views on the combination of quantitative and qualitative research approaches**" University of South Africa Progressio 2003 25(2):8-20
- 14- Serwatka, J. A. (2002), "**Improving student performance in distance learning courses**", THE Journal, 29 (9), 46-51.
- 15- Sherry, L. (1996), "Issues in Distance Learning", **International Journal of Educational Telecommunications**, 1 (4), 337-365.
- 16- Thor, L. M. (1999), "**Keeping up with the Joneses**", Community College Week, 11 (22), 4.
- 17- Krauss, S. E. (2005), "**Research paradigms and meaning making: a primer**", The Qualitative Report Volume 10

Number .

بنام خدا

تبیین مبانی معرفت شناختی نظام آموزش از راه دور

*دکتر محسن فرمهینی فراهانی: استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد تهران

دکتر مهدی سبحانی نژاد: استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد تهران

زینب قلی زاده مقدم: مدرس دانشگاه پیام نور

چکیده

در پژوهش حاضر تبیین مبانی معرفت شناختی نظام آموزش از راه دور در سه محور؛ مبانی معرفت شناختی نسل اول، دوم و سوم مورد توجه قرار گرفته است. روش انجام پژوهش تحلیل اسنادی بوده است. به منظور گردآوری داده های لازم جهت پاسخگویی به سؤال های پژوهش کلیه اسناد و مدارک موجود و مرتبط با موضوع با استفاده از فرم گردآوری داده ها جمع آوری و با شیوه کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

عمده ترین یافته های پژوهش عبارتند از: ۱- رویکرد و مبانی معرفت شناختی نسل اول (۱۹۵۰-۱۹۰۰) عبارتند از: رویکرد اثبات گرایی با اعتقاد به قوانین کلی یادگیری، روش های جمعی و تأکید بر اصول کارایی در طراحی راهبردهای آموزشی و... ۲- نسل دوم (۱۹۶۰-۱۹۸۰): رویکرد تعبیری یا تفسیری و باورهای معرفت شناختی از قبیل؛ روشن ساختن زبان کاربردی در موقعیت های آموزشی با ابهام زدایی از اصطلاحات تخصصی، توجه به عوامل مهم (تاریخی، محیطی و شخصی) در رمز گذاری و رمز گشایی و... ۳- نسل سوم (از ۱۹۹۰ تاکنون): رویکرد معرفت شناسی انتقادی و باورهای ایجاد «فضاهای دموکراتیک» در مدارس، تأکید و ترغیب گوناگونی فرهنگی، بی طرفی نهادهای آموزشی.

واژه های کلیدی: معرفت شناسی، آموزش باز، آموزش از راه دور، رویکرد، اثبات گرایی، تفسیری، انتقادی، آموزش مجازی.

مقدمه

آموزش از راه دور را می توان به عنوان «هر گونه فرآیند آموزشی رسمی که بین معلم و شاگرد در فاصله زمانی یا مکانی اتفاق می افتد» تعریف کرد (داوی، ۱۹۹۹، ص ۴۴-۴۵). در باب محاسن آن می توان گفت مدل آموزش از راه دور راههای زیادی برای حمایت از فراگیران فراهم می کند. از امکانات آموزش از راه دور می توان به انعطاف پذیری زمانی و مکانی در امر یاد گیری، توجه به ویژگیهای متفاوت شخصیتی افراد، گوش دادن فعال، ایجاد امکان کار به طور مستقل در غیاب معلم و .. اشاره نمود (شری، ۱۹۹۶). به طور کلی از نظر تاریخی پیشرو مبنای تکنولوژیکی آموزش از راه دور را می توان مراسلات (ارتباطات) آموزشی دانست که شروع آن به اروپا و ایالات متحده در میانه قرن ۱۹ بازمی گردد (روت دامونت، ۲۰۰۲). اگر بخواهیم در مورد سوابق تاریخی موضوع بحث نماییم، می توان به طور موجز برای تحولات آموزش و پرورش مراحل را ذکر کرد که در این صورت اولین مرحله و منشاء نظام معاصر آموزش و پرورش رسمی را باید در دهه های پیش از انقلاب صنعتی جستجو کرد، چنانکه احتیاج به نیروی انسانی در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ موجب گسترش آموزش و پرورش ابتدایی شده است. در دومین مرحله از تحول آموزش و پرورش که میان دو جنگ جهانی قرار داشت شاهد دگرگونیهای اجتماعی و تکنولوژیکی چشمگیر و گسترش آموزش متوسطه هستیم. و از سالهای ۱۹۵۰ مرحله سوم شروع می شود. این مرحله عصر انقلاب علمی و فنی و رونق سریع اقتصادی و آزادی مستعمرات است (امیری، ۱۳۶۹).

با پیدایش مفهوم جدید رشد در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ سیاستهای آموزش و پرورش نیز مورد تردید و سؤال قرار گرفت. این تردید تقاضای اجتماعی آموزش و پرورش را شدیدتر ساخت و از اینجا این ضرورت مطرح می گردد که برای هر فرد سطحی از آموزش و پرورش تأمین شود. این مسأله توجه دست اندرکاران آموزشی را در پایان سالهای ۱۹۶۰ نسبت به فنون و وسایل جدید آموزشی نظیر تلویزیون آموزشی و آموزش برنامه ای جلب نمود (امیری، ۱۳۶۹).

پس از آن در طول سالهای ۱۹۷۰ و اوائل ۱۹۸۰ بیشتر پژوهشگران به تأثیرات کامپیوتر توجه داشتند و (حدود ۱۹۹۰) همه نگاهها به سوی سیستم های ارتباطات از راه دور منتقل شد (حسینی، ۱۳۸۴). در چنین شرایطی بود که توجه به معرفت شناسی که گنجینه اصلی گزینش روشهای تدریس و تعلیم و شناسایی، تفکیک و پی بردن به چگونگی عمل و نحوه تأثیرات و موارد خاص کاربرد انواع آنهاست (نلر، ترجمه بازرگان، ۱۳۸۰، ص ۷) به عنوان عاملی تأثیر گذار بر مؤلفه های مهم این نظام (فراگیر، معلم بر نامه درسی، رابدهای یاددهی - یادگیری و رسانه) همچون سایر نظامهای آموزشی معطوف گردید و همین متفاوت بودن رویکردهای معرفت شناسی طی عمر ۱۵۰ ساله نظام آموزش از راه دور بود که دانش پژوهان و محققان آموزش از راه دور را (کاوشی پیرامون ... بی نام، بی تا)، همانند دیگر رشته ها به ایجاد الگوهای مفهومی و دسته بندیهایی برای فهم بهتر دنیایی که در آن زندگی کرده ایم و آن را ایجاد نموده ایم، سوق داد. دسته بندی فن آوریهای آموزش از راه دور نیز بر همین اساس در غالب نسلهای مختلف، که مبنای آن ابزارهای فناورانه و پشتیبانی کننده از هر یک از این نسلها است، مرسوم بوده است (گریسون، ۱۹۸۵؛ نیپر، ۱۹۸۹؛ حسینی، ۱۳۸۴).

بر اساس نحوه بهره گیری مؤسسات آموزشی باز و از راه دور از فناوریهای ارتباطی، رویکرد فلسفی و روانناسی مؤثر و دیدگاههای معرفت شناختی آنان، نظام آموزش از راه دور را می توان در قالب سه نسل تقسیم بندی نمود که عبارتند از:

نسل اول (۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰): نسل آموزش مکاتبه ای و برنامه ای (دوره تسلط رویکرد فلسفی اثبات گرایی و رویکرد روان شناسی رفتار گرایی) (فردانش، ۱۳۸۴).

نسل دوم (۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰): نسل کاربرد رسانه های همچون رادیو و تلویزیون و نیز توجه به رایانه در امر آموزش و یادگیری (عطاران، ۱۳۸۳)، (دوره تسلط رویکرد فلسفی تفسیری و رویکرد روان شناسی شناخت گرایی) (فردانش، ۱۳۸۴).

نسل سوم (۱۹۹۰ تا کنون): همزمان با گسترش "شبکه گستره جهانی" در سالهای نخستین دهه ی (حسینی، ۱۳۸۴)، (دوره تسلط رویکرد فلسفی انتقادی و رویکرد روان شناسی ساخت گرایی) (فردانش، ۱۳۸۴).

پژوهشهای انجام شده در حیطه نظام آموزش از راه دور نشان داد که تحقیقات بسیار زیادی در سطح کشور در زمینه موضوعات مرتبط با آموزش از راه دور انجام شده است، لیکن بر اساس بررسیهای مقدماتی تنها یک تحقیق به طور مستقیم در خصوص تبیین مبانی معرفت شناختی آموزش از راه دور در با عنوان «کاوشی پیرامون دیدگاههای معرفت شناسی نسبت به راهبردهای یاددهی - یادگیری در نظام آموزش بازو از راه دور» انجام گرفته است. اما خوشبختانه در خارج از کشور تا حدودی به مبانی فلسفی خاصه مبانی معرفت شناختی آموزش از راه دور پرداخته شده که می تواند نقطه عطفی در عملکرد اصولی در زمینه آموزش از راه دور باشد و راهگشایی برای تحقیقات و بررسی های داخلی.

در یک مرز بندی کلی می توان چهار حیطه اصلی در زمینه تحقیقات آموزش از راه دور تعیین نمود:

الف- مقایسه عملکرد فراگیران دو نظام آموزشی سنتی و از راه دور مانند:

تحقیق آقای فراهانی (۱۳۸۰) با عنوان «مقایسه عملکرد تحصیلی دانشجویان تربیت بدنی در نظام حضوری و راه دور در ایران» و ساکی (۱۳۷۷)، «بررسی اثر بخشی آموزشهای کوتاه مدت ضمن خدمت به صورت حضوری، نیمه حضوری و غیر حضوری»

ب- تحقیقاتی در زمینه امکان استفاده از نظام آموزش از راه دور در برخی از زمینه ها و موضوعات یادگیری مانند: تحقیق حسن زاده (۱۳۸۱) «بررسی مکان سنجی آموزش از راه دور کتابداری و اطلاع رسانی از طریق اینترنت در ایران در قالب سه مؤلفه امکانات و تجهیزات گروهها، سابقه و مهارت اساتید و بر نامه های آتی گروهها»، ری (۲۰۰۶) «بررسی آینده آموزش از راه دور»

ج- مطالعاتی در حوزه نحوه نگرش و یا فاکتورهای مؤثر در پذیرش و کاربرد اینترنت در آموزش مانند: تحقیق چیدری (۱۳۸۱) «فعالتهای آموزش از راه دور و اعضاء هیئت

علمی در ایران»، کلینجر (۲۰۰۳) «ارتباط بین سبکهای یادگیری یادگیرندگان بزرگسالی که در دوره های آنلاین دانشگاه (PACE) ثبت نام نموده اند و موفقیت و رضایت از این یادگیری در شهر نیویورک» و یانگ (۲۰۰۳) «میزان اطمینان از کیفیت یادگیری وب محور در مؤسسه های آموزش از راه دور»

د- نیز تحقیقاتی در زمینه استانداردهای لازم و مکفی در نظام یادگیری باز و از راه دور همچون:

یازرنیا و همکاران (۲۰۰۲) «پرورش استانداردهای آموزش با استفاده از راههای آموزش و پرورش» و بلنگر (۲۰۰۱) «یادگیری با استفاده از فن آوری اطلاعات»

و نیز مطالعاتی در خصوص مبانی معرفت شناسی آموزش از راه دور نظیر:

مطالعات راگازا «معرفت شناسی فراشناختی - یک توانایی ضروری برای آموزندگان آنلاین» و فین هالس (۲۰۰۵) «همکاری برای ایجاد ظرفیتها از طریق ICT، بر نامه های

آموزش از راه دور: تحقیقی برای پیوستگی معرفت شناسانه بین طراحی و عملکرد آنها».

تحقیقات حیطه اول تحقیقاتی مقایسه ای (بین دو نظام) هستند که در واقع در پی دلایلی برای اثبات و یا انکار برتری یکی از دو نظام بر دیگری می باشد و در این نوع تحقیقات به نتایج مثبت و منفی هر دو نظام اشاره خواهد شد. با توجه به محوریت این نوع تحقیقات ملاحظه می شود که این گروه شباهت چندانی با موضوع تحقیق حاضر ندارند.

تحقیقاتی که در گروه دوم، سوم و چهارم از تحقیقات در زمینه آموزش از راه دور جای می گیرند، گستره استفاده از این نوع نظام، عوامل مؤثر در رد یا پذیرش و یا استانداردهای مؤثر در بکارگیری این نوع آموزش با کیفیت بالا را مورد بررسی قرار می دهند.

بنابر این از بین چهار گروه ذکر شده، گروه دوم، سوم و چهارم به تحقیق حاضر نزدیکی بیشتری داشته چرا که هر سه گروه از این تحقیقات عوامل مؤثر و کمک دهنده ای را در زمینه توسعه حیطه کاربردی، بهبود دیدگاه و ارتقاء کیفیت آشکار می سازند که در واقع هر کدام از این عوامل نیز خود به دیدگاه و رویکرد معرفت شناختی خاصی مرتبط هستند و از آن سر چشمه گرفته اند. اما در مورد آخرین گروه از تحقیقات می توان گفت که با موضوع تحقیق حاضر همخوانی بالایی دارند، با این تفاوت که به بررسی مبنای معرفت شناختی بطور کلی و نه در قالب نسلهای مختلف نظام پرداخته اند.

آموزش از راه دور تا مدتها پس از آغاز فعالیت رسمی خود که به اواسط سده نوزده میلادی بر می گردد بدون تکیه بر یک تئوری مدون و مبتنی بر ویژگیهای آموزش از راه دور، با استفاده از رسانه های مختلف که حاصل پیشرفتهای سریع و روز افزون تکنولوژی ارتباطات بود، همچنین با استفاده از راههای متعددی که در زمینه انتقال پیام کشف و در اختیار نظام آموزش از راه دور قرار می گرفت، به هزاران هزار مشتاق ورود به آموزش عالی و در برخی از کشورها در سطوح پایین تر که به لحاظ محدودیت توسعه و گسترش نظام آموزش سنتی یا به هر دلیل دیگر از دستیابی به آن محروم بودند، فرصتهای مناسب تحصیلی فراهم کرده و آنها را با آرمانها و آرزوهای خود قرین ساخته است. البته این سخن، بدان

معنی نیست که سیستم یاد شده از هیچ قالب و چارچوب علمی استفاده نکرده و بر قاعده و اصولی استوار نبوده است. چون اگر چنین می بود نمی توانست در کنار بی قاعدگیها به موفقیت‌های آنچنان عظیم در کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت نائل آید و بخش مهمی از وظیفه تربیت و باز آموزی نیروهای متخصص را بر عهده داشته باشد یا بیشترین خدمات آموزشی را بویژه در سطح دانشگاه به جوامع ارائه دهد. البته یادآوری این نکته لازم است که عدم تکیه نظام آموزش از راه دور بر تئوری مبتنی بر ویژگیهای خاص آن هیچگونه مانع و رادعی را بر سر راه پیشرفت آن به دلایلی که در زیر به آنها اشاره می شود بوجود نیاورده است:

الف. رسانه های مورد استفاده در نظام با توجه به طبیعت آنها واجد قابلیت‌های لازم بودند و ارائه دهندگان بر نامه های آموزشی و بهره مندان از آنها ناتوانی آنها را در رساندن پیامهای آموزشی احساس نکرده و خود را با مشکل آموزش که ناشی از طبیعت رسانه باشد، مواجه ندیده اند.

ب. برخی نارسائیهای نظام آموزش سنتی که مولود طبیعت آن است در این شیوه از آموزش که باز به طبیعت آن بر می گردد، از بین رفته و زمینه را بر مقبولیت آموزش از راه دور فراهم ساخته است (بری فر، ۱۳۷۱). در کنار این واقعیتهای که پرداختن به تئوری را لاقابل برای مدتی از اذهان دست اندرکاران آن دور نگه می داشت، عوامل دیگری نیز وجود داشتند که تأخیر در آن را سبب می شد. در میان این عوامل ویژگیهای خاص جامعه انگلیس و اعتقادات سنت گرایی آنان که مبتکر این شیوه از آموزش در جهان بودند و نیز نظرات دست اندرکاران اولیه آن که علاوه بر سنت گرایی خود، کسب تجارب لازم و شناسایی دقیق عناصر تئوری را برای برپایی آن ضروری می دانستند، از عوامل عمده تأخیر بحساب آمده است. در حقیقت می توان گفت که نظام آموزش از راه دور پس از گذشتن از صافیهای زیاد و درک واقعیتهای نهفته در آن به تئوری مدون و تجربه شده ای دست یافته است. علی رغم توانائیهای ملموس نظام آموزش از راه دور، این نظام در تمام جوامعی که مطرح شده از طرف سنت گرایان مورد انتقاد قرار گرفته است و هنوز هم از نظر خیلی ها در پرده ابهام قرار دارد. از آنجا که منتقدان نظام آموزش از راه دور آن را فاقد بنیانهای علمی می دانستند، لازم می آمد که معتقدان نظام برای توجیه مبانی علمی «آموزش باز» که بر قابلیت‌های علمی ابزار آموزشی منتخب استوار بود، به تدوین یک نظام نظری مبادرت کنند. بنابر این پس از گذشتن از یک مرحله تجربی پر بار به تدوین و تبیین مبانی نظری خود پرداختند و اصول کلی یا چارچوب سیستمی آن را بر شمردند.

نکته یی که لازم است در اینجا بعنوان یک تذکر بدان اشاره شود، این است که در ساختن تئوری مورد نظر مواد و مصالحی که متفاوت از عناصر اصلی فرآیند آموزش باشد، بکار نرفته و قالب جدید با استفاده از عناصر فرآیند آموزش به مفهوم عام آن بوجود آمده است. به این معنی که نظام آموزش از راه دور و ساختار ویژه آن با مداخلیت اصول حاکم بر نظام آموزش سنتی شکل یافته و ضمن حفظ بنیانهای فرآیند آموزش از عناصر تازه ایی نیز در شکل دادن به ترکیب مورد نظر استفاده شده است (همان منبع). با توجه به مطالب فوق، تدوین تئوری مورد اشاره، لاجرم با تکیه بر سه محور: «مبانی فلسفی آموزش و اصول سیاست گذاریهای آن»، «تئوری ارتباطات با تأکید بر مسأله دیالوگ یا پرسش و پاسخ» و

«تئوری پخش و روشهای اجرایی» مدون خواهد شد.

با توجه به آنچه ذکر شد نظام آموزشی مورد جستجو باید با قابلیت گسترشی خود جوابگوی نیازهای آموزشی باشد که اگر آموزش از راه دور بتواند به مشکلات گسترشی آن و تأمین شرایط گفت و شنود یا پرسش و پاسخ و اجرای برنامه های آموزشی مبتنی بر اهداف از پیش تعیین شده فائق آید، قادر خواهد شد بعنوان یک نظام مبتنی بر پایه های علمی شناخته شده و مبانی نظری خود را عرضه نماید (همان منبع) که این مهم مسلماً با تکیه بر مبانی فلسفی خاصه مبانی معرفت شناختی در نظام آموزشی هر جامعه بدست خواهد آمد.

بنابر این و با عنایت به مباحث فوق، مسئله اساسی پژوهش حاضر، تجزیه و تحلیل مبانی معرفت شناختی سه نسل نظام آموزش از راه دور است تا بدین وسیله نقاط توجه و قوت این نظام در سه نسل مذکور از منظر مبانی معرفت شناختی آن ها مشخص شود. بر این اساس سه سوال پژوهشی ذیل طرح و مورد بررسی واقع شده است:

۱- مبانی معرفت شناختی رویکرد غالب در نسل اول آموزش از راه دور کدام است؟

۲- مبانی معرفت شناختی رویکرد غالب در نسل دوم آموزش از راه دور کدام است؟

۳- مبانی معرفت شناختی رویکرد غالب در نسل سوم آموزش از راه دور کدام است؟

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی و از نوع تحلیل اسنادی می باشد با توجه به موضوع تحقیق حاضر، ضمن مراجعه به منابع مختلف اعم از فارسی و لاتین و گردآوری مطالب و اطلاعات مورد نظر از طریق مطالعه ی آثار، کتب و پیشینه و پژوهش های انجام شده، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و برقراری ارتباط بین آن ها به بحث و نتیجه گیری پیرامون سؤال تحقیق پرداخته شده است.

یافته های پژوهش

۱- بررسی سؤال اول پژوهش

اولین سوال پژوهش عبارت بود از اینکه «رویکرد معرفت شناختی غالب در نسل اول آموزش از راه دور کدام است؟».

در ابتدا اشاره می کنیم به اینکه اگر بخواهیم این سه دوره را با رویکرد معرفت شناختی و روانشناسی غالب در هر دوره معرفی کنیم شاید طبقه بندی سلز^۱ مطابق جدول زیر گویا باشد .

جدول ۳-۱. دوره های تحول رشته تکنولوژی آموزشی (منبع:سلز(۱۹۹۷)،صص.۲۱-۱۲)

دوره سوم ۱۹۹۰- حال	دوره دوم ۱۹۶۰- ۱۹۸۰	دوره اول ۱۹۰۰- ۱۹۵۰	
انتقادی (Critical)	تعبیری (Interpretative)	اثبات گرایی (Positivism)	رویکرد معرفت شناسی
ساخت گرایی، پسامدرن (Constructivism) (postmodern)	شناخت گرایی (Cognitivism)	رفتار گرایی (Behaviorism)	رویکرد روان شناسی

و اما دوره اول، دوره تکنولوژی ابزاری است که در این دوره، رسانه ها، ابزاری برای غنی کردن دوره های آموزشهای سنتی اند. در حقیقت سده بیستم سده رشد سریع علوم، بویژه علوم تجربی و پیامدهای فنی آن یا فناوری است و آثار آن به صورت اکتشافات و اختراعاتی نظیر کشف نیروی اتم و شکافتن آن (۱۹۲۴)، اختراع هواپیمای

^۱. Seels

^۲. tools'technology

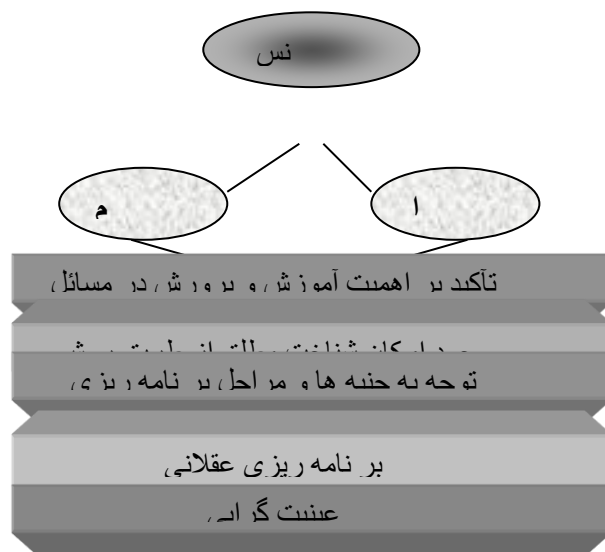
جت (۱۹۳۰)، تلویزیون (۱۹۳۰) و نظایر آن در نیمه دوم قرن و کشف لیزر (۱۹۵۷)، سفر به فضا (۱۹۵۷) و ابداع رایانه و اینترنت (از ۱۹۴۳ به بعد) است. این پیشرفت‌ها که به برخی از آنها اشاره شد و بیشتر در غرب و به دست غربیان صورت گرفته اگر بیشتر نباشد، به اندازه همه پیشرفت‌های علمی و فنی است که عالم بشری طی قرن‌ها به آن نائل شده است (کاردان، ۱۳۸۱، ص ۱۹۱). در این دوران در قلمرو آموزش و پرورش نیز گرایش‌های نیرومندی بسوی نوآوری مشاهده می‌شد. این امر در آموزش‌های عالی، علوم تجربی و مهندسی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و آنها به تدریج به صورت کانون‌های اصلی پژوهش و نوآوری جلوه گر شدند. به طوریکه این پیشرفت‌ها در اندیشه تربیتی و تکوین و گسترش نظام‌های آموزشی نیز مؤثر افتاده است (کاوشی پیرامون ... بی‌نام، بی‌تا).

صنعتی شدن کشورها و نیاز روز افزون آنها به نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده باعث شد به آموزش بزرگسالان بیشتر توجه شود و برنامه‌های بسیار گسترده ترویج کشاورزی در دانشگاه‌ها فعالیت آموزش بزرگسالان در این قبیل کشورها را رونق بخشید. با وقوع جنگ‌ها، ضرورت آموزش‌های نظامی مطرح شده و با توسعه فناوری نظامی و تحولات اساسی آن، دوره‌های کارآموزی و بازآموزشی در زمینه آموزش نظامی در اختیار مردم قرار گرفت. در چنین شرایطی و با توجه به این امر که علم پوزیتیویستی معرف رواج مدرنیسم گردیده بود، بدون تردید می‌توان گفت که در ابتدای قرن بیستم رویکرد معرفت‌شناسی غالب خصوصاً در حیطه مسائل آموزشی رویکرد اثبات‌گرایی بود که مبانی معرفت‌شناختی آن در پاگیری مرحله نخستین نظام آموزش مکاتبه‌ای و برنامه‌ای بسیار دخیل بوده است. حقیقت این است که نیاز به وجود ارتباط چهره به چهره بین معلم و شاگرد، کلاس درس، کتابخانه و تجهیزات آزمایشگاهی در نظام آموزش سنتی عواملی هستند که توسعه آموزش را محدود می‌سازند. به همین دلیل این ضرورت احساس شد تا در جستجو، آزمایش و به کارگیری شیوه‌های جدیدی باشیم که موجب افزایش کارایی و همزمان کاهش هزینه‌های آموزشی شوند که در راه نیل به این اهداف «آموزش باز و از راه دور» راه حل امید بخشی در زمینه مشکلات جوامع مختلف بود (همان منبع).

ونکته دیگری که می‌توان آن را از ویژگی‌های مهم نظام آموزش از راه دور دانست، توجه و اهمیت دادن به استقلال فراگیر است (مور، وردین و کلارک) که همان طور که قبلاً هم اشاره شد این مهم در بین رفتارگرایان (مخصوصاً برای اسکینر) بحث‌های زیادی را برانگیخته بود و توجه به همین مسأله بود که بنای آموزش برنامه‌ای و ماشین آموزشی و به تبع آن یادگیری انفرادی را نهاد. در حقیقت یکی از ارکان نظام آموزش از راه دور را می‌توان توجه به ظرفیتهای فردی فراگیران و تنظیم سرعت یادگیری با تواناییهای تک تک آنها نام برد، آنچه که در کلاسهای درس سنتی رعایت نمی‌شود و نادیده گرفته می‌شود و این توجه به تفاوت در تواناییهای شخصی و عمومی همان است که از سوی وردین و کلارک با عنوان مفاهیم توانش تخصصی و عمومی مطرح شده است. اما مسأله‌ای که در آموزش‌های برنامه‌ای و یا ماشین آموزشی مطرح است جزء جزء کردن محتوا و تعیین گامهای آموزشی کاملاً برنامه‌ریزی شده و از قبل تعیین شده می‌باشد که این تجزیه محتوا به اجزای بسیار کوچک رفتاری و عینی مخصوصاً در آغاز آموزش به دلیل همان باور

رفتارگرایان به این اصل است که باید مخصوصا در آغاز یادگیری فراگیر با سرعت پاسخ یا واکنش مثبت یا منفی مناسب را دریافت کند و اینکه حتما پاسخ باید در تمام مراحل حتی مراحل نهایی یادگیری جنبه بیرونی و عینی داشته باشد. همین اعتقاد به ارائه پاسخ فوری و درست باعث شد که آنها آموزش برنامه ای مخصوصا در ارائه به روش ماشین آموزشی را تدارک ببینند و به آن توجه زیادی نشان دهند.

بطور خلاصه باید گفت در ابتدای قرن بیستم رویکرد معرفت شناسی اثبات گرایی تقریبا بر روند ایجاد ورشد تمام رشته های علمی حکمفرما بود و رشته تکنولوژی آموزشی که در آن زمان تنها با عنوان «سمعی و بصری» شناخته می شد از این قاعده مستثنا نبود. این رویکرد بر وجود دانش مستقل از ذهن شاگرد تأکید می کرد و بر این اساس وظیفه آموزش را انتقال این دانش به ذهن شاگرد می دانست و ارزشیابی نیز بر قضاوت درباره میزان دقت این کسب دانش مبتنی بود. این رویکرد عینیت گرا به وجود برداشتهای مختلف از آموزش در افراد اذعان داشت ولی هدف آموزش را دستیابی به برداشت صحیح یا همان برداشت معلم می دانست. رویکرد روان شناسی مؤثر در این نسل رویکرد رفتارگرایی بود. (فردانش، ۱۳۸۴). ویژگیهای رویکرد اثباتگرایی و مدرنیسم در جدول زیر خلاصه شده است.



تأکید بر آموزش و پرورش عمومی،

تلاش برای تکوین قوانین عام

تأکید بر تسلط فرهنگ فناوری،

تأکید بر تسلط فرهنگ غالب

نمودار ۱. ویژگیهای رویکرد ابزاری و ساریسم

۲- بررسی سؤال دوم پژوهش

دومین سوال پژوهش عبارت بود از اینکه « رویکرد معرفت شناختی غالب در نسل دوم آموزش از راه دور کدام است؟ ».

در ارتباط با سؤال دوم باید گفت رویکرد مؤثر در حیطه زمانی مربوط به نسل دوم نظام آموزش از راه دور که در حوزه تفکر و عمل نظامهای و رویکردهای مختلف زندگی من جمله نظام آموزشی و رویکرد روان شناسی این دوران تأثیرات زیادی بجا نهاد و در نهایت منجر به شکل گیری نسل دوم نظام آموزش از راه دور گشت رویکرد معرفت شناختی تعبیری یا تفسیری (هرمنوتیک) می باشد.

درحقیقت آنچه به شکل گیری این پارادایم کمک نمود اعتقاد بسیاری از جامعه شناسان به وجود شکاف بین جامعه شناسی آموزش و پرورش سنتی و نوین و تحقیقاتی بود که در خلال اواخر ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰ در این زمینه صورت گرفت و در نهایت مقالات ارائه شده به کنفرانس انجمن جامعه شناسی انگلستان در سال ۱۹۷۰، منادی پیدایش این رهیافت جدید تفسیری بودند که در حوزه آموزش و پرورش این به معنای مطالعه فرآیند تعامل در کلاس درس، استفاده از شناخت، محتوای آموزش، فضای کلاس و نظایر آن است (شارع پور، ۱۳۸۳).

به طور کلی رویکرد معرفت شناسی تعبیری به عنوان یک فلسفه معتقد به اصالت انسان و ادراک او است و بیشتر بر تحلیل های کیفی و بر محور تحلیل های زبانی تأکید دارد؛ این تأکید در مقایسه با تأکید اثبات گرایی بر پدیده های مشاهده پذیر در تقابل قرار می گیرد. تعبیر گرایان هدف علم را درک یا فهم می دانند و نه تبیین، گرچه تبیین نیز می تواند در فرایند تفسیر و تعبیر مفید واقع شود. به هر حال رویکرد تعبیری هیچ گاه به صورت رویکرد غالب در رشته تکنولوژی آموزشی مطرح نبوده است. ولی ظهور و گسترش این رویکرد فلسفی و معرفت شناسی، سؤالهای زیادی در زمینه پدیده ای غیر قابل مشاهده در تحقیقات تربیتی فراهم کرد و نیز منشاء رشد و نمو مکتب روانشناسی شناخت گرایی شد که بطور

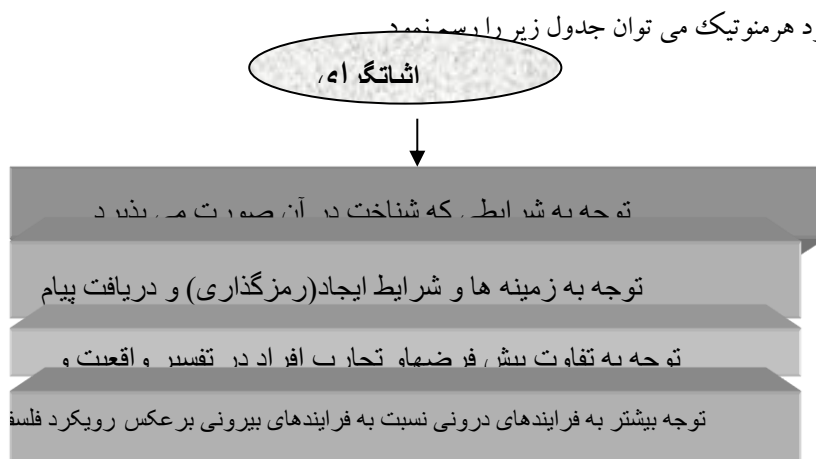
کلی تأثیر همه این عوامل را می توان در شکل گیری دومین نسل نظام آموزش از راه دور مشاهده نمود (فردانش، ۱۳۸۴).

به طور خلاصه باید گفت: آنچه که در نسل دوم نظام آموزش از راه دور بر آن تأکید شد و تعبیرگرایان و روان شناسان شناختی بر آن دست نهادند، چگونگی و کیفیت روابط و تبادلات آموزشی بود و اینکه این تبادلات باید بر مبنای فهم و درک مطالب در جریان ارتباطات باشد. آنها همانند نظریه پردازان نظام آموزش از راه دور به این نکته واقف بودند که هنگامی که فراگیر و معلم از لحاظ زمانی و مکانی در دو موقعیت متفاوت قرار دارند باید از فناوری به نحو احسن برای پر کردن این فاصله و حمایت از فراگیر کمک گرفت، در چنین شرایطی است که دیگر فناوری و تکنولوژی آموزشی نقش کلیدی خود را به عنوان وسایل کمک آموزشی که بدون آن هم در شیوه سنتی آموزش در جریان خواهد بود از دست می دهد و به عنوان محور اصلی آموزش مطرح می گردد. به همین دلیل نظریه پردازان فناوری و آموزش از راه دور را طوری به هم وابسته می دانند که به هیچ رو نمی توان آنها را از هم جدا نمود.

با این تعاریف می توان نظام آموزش از راه دور را واقعا حاصل و پیامد جامعه صنعتی دانست، چرا که صنعتی شدن پدیده ای است که تمام جنبه های زندگی انسان را به طور بنیادی تحت تأثیر قرار می دهد. اگر چه متاسفانه مقایسه نظام آموزشی در جوامع صنعتی با سایر جنبه های زندگی نشان دهنده عدم تحول مناسب این بعد حیاتی زندگی است، چرا که در بسیاری از کشورها حتی صنعتی شده، هنوز ترس از استفاده از فناوریهای پیش رفته در نظام آموزشی به چشم می خورد. با این همه اصولی را که نظام آموزش از راه دور را می توان با آن از نظام آموزشی سنتی جدا نمود و نظام آموزش از راه دور بر پایه آنها بنا شده می توان برگرفته از اصول صنعتی دانست. اصولی همچون برنامه ریزی، عقلانیت، تقسیم کار، ماشینی و خودکار شدن امور و ... و از همه مهمتر پیدا کردن سیستمی همچون کامپیوتر برای ساده سازی و فهم فرآیندهای شناختی و پیچیده ذهنی انسان. با این همه این نظامی بود که بر این مبنا بنا شده بود که به فراگیران استقلال و آزادی کامل در امر یادگیری را هدیه کند تا هر کسی بتواند بر اساس کمیت و کیفیت فرآیندهای شناختی اش به امر یادگیری اشتغال یابد. اصولی که در بالا به آنها اشاره شد، در واقع در مباحث محتوایی تکنولوژی آموزشی در دوره دوم خود رادر قالب هدفهای آموزشی و ارزشی نشان دادند .

به هر صورت از آنجا که پارادایم تفسیری بر عوامل اجتماعی مؤثر بر فرآیند تولید و کنترل شناخت تأکید دارد، لذا فقط به مشکلات مربوط به برقراری تفاهم و ارتباط که تنها شامل دسته بندیهای پیامهایی که توسط رسانه های گوناگون فرستاده می شوند نمی پردازد، بلکه شامل رمز گشایی و تفکیک نمودن تصویر از واقعیت نیز می شود. پارادایم تفسیری در صورتی که با دیدی همه جانبه و نه در چارچوبی تنگ نظرانه به ایفای نقش خود پردازد، قادر به خنثی سازی تبلیغاتی که در جامعه توده وار سعی دارند تا بر عقاید و تصمیمات

مردم تأثیر گذارند، بوده و از طرف دیگر می تواند به بررسی محتوای شعارهای فراوانی که جامعه را نیز در بر گرفته اند پردازند. رویکرد تفسیری می تواند با روشن ساختن زبانی که در موقعیتهای آموزشی و یادگیری به کار می رود خدمتی را انجام داده و در این رهگذر با ابهام زدایی از اصطلاحات تخصصی که غالباً نوشته های تربیتی و سایر علوم اجتماعی را مختل می سازد به مطالعه محیطهای یادگیری، تعامل بین معلم و فراگیر و زبان مورد استفاده در کلاس درس پردازد که رویکرد روان شناسی هماهنگ در این زمینه را می توان رویکرد شناخت گرایی نامید (کاوشی پیرامون ...، بی نام، بی تا).



نمودار ۲. ویژگیهای رویکرد هرمنوتیک

۳- بررسی سؤال سوم پژوهش

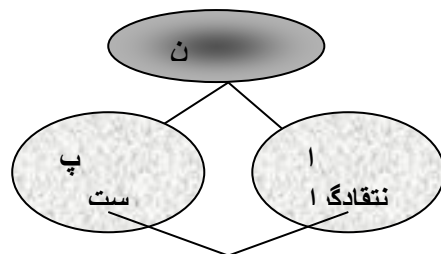
سومین سؤال پژوهش عبارت بود از اینکه « رویکرد معرفت شناختی نسل سوم نظام آموزش از راه دور کدام است؟ ». در ارتباط با سؤال سوم که مربوط به رویکرد معرفت شناختی نسل سوم نظام آموزش از راه دور می باشد باید گفت شرایطی که نسل سوم نظام آموزش از راه دور در آن شکل گرفت شرایط تسلط و غلبه رویکرد معرفت شناختی انتقادی در جنبه های مختلف نظام فکری و فرهنگی

بود. رویکردی که با دیدی انتقادی همه جوانب زندگی بشر پیشرفت را بررسی و تجزیه و تحلیل نموده و در پی افکندن طرحی نو، آرمانی و مطلوب برای زندگی بشرا امروز می باشد. در واقع رویکرد انتقادی به زعم طرفدارانش به دنبال پر کردن فاصله بین رویکرد اثبات گرایی و رقیب آن یعنی رویکرد تعبیری است و از رویکرد اثبات گرایی برای آنکه آن را تحویل گرایی می نامند و از رویکرد تعبیری برای آنکه نسبی گرایی ضمنی مستتر در دیدگاه معرفت شناسی است انتقاد کردند و اینچنین بود که زمینه برای رشد رویکرد انتقادی فراهم آمد. این رویکرد با جهت گیری های سیاسی خود به سلطه علم، تکنولوژی و دیوانسالاری که از شاخه های سرمایه داری است معترض و معتقد است که در این شرایط احتمال طرح سؤال درباره هنجارها و ارزشهای اجتماعی و «زندگی خوب» در عرصه اجتماعی از بین می رود و بنابر این رویکرد انتقادی با طرح این سؤالات که محور اصلی مباحث آن را تشکیل می دهد منجر به آزادی و رهایی افراد از عقاید نادرست و غلبه بر جور و ستم می شود. متفکران این رویکرد معتقدند که فلسفه باید در خدمت این مبارزه و جنبش اجتماعی قرار گیرد. به هر حال آنچه در این قسمت به بررسی و تجزیه و تحلیل آن خواهیم پرداخت نحوه شکل گیری، افکار، اقدامات و تأثیرات این نحله فکری بر اندیشه ها، نظامها و سایر مکاتب فکری هم عصرش همچون رویکرد روان شناسی ساخت گرا، نظام آموزش و پرورش و در نهایت نظام آموزش از راه دور در سومین نسل آن می باشد

دوره سوم، دوره تکنولوژی متفکرانه می باشد^۱ که دارای خصوصیات زیر است:

۵. به رسمیت شناختن انواع دانش حاصل از منابع علمی سنتی و دانش حاصل از تجربه؛
۶. مبتنی بودن بر دانش نظری و دانش عملیاتی و مقدم دانستن دانش نظری بر عملی؛
۷. به کار گیری انواع دانش بر اساس یک دیدگاه ارزش شناسی مشخص؛
۸. متفکرانه بودن به معنای تعمق درباره تکنولوژی بعد دانش و ارزشها) و محصولات آن (بعد طرحها و مواد) (فردانش، ۱۳۸۴). جدول زیر نگاهی گذرا به ویژگیهای نسل سوم را ارائه نموده است.

^۱. reflective technology



تأکید بر تأثیر شرایط و پیشینه بر فهم و کسب معرفت
شاگرد محور ی، و نگاه به معلم به عنوان تسهیل کننده
توجه به تکنه های آموختن، به عنوان ابزارها.
تأکید بر برقراری دموکراسی
تأکید بر تربیت شهروند انتقادی
گفتگو محور ی
توجه به فرهنگ های مختلف
توجه به تفاوت افراد
نسب، بودن، حقیقت
توجه به فرهنگ های گوناگون

نمودار ۳. ویژگی های رویکرد انتقادرایی و پست مدرنیسم

به طور کلی انتقادات، توصیه ها و راهکارهای رویکرد انتقادی با حال و هوای آموزش از راه دور نسل سوم و گسترش وسیع ارتباط از طریق شبکه جهانی وب بسیار متناسب به نظر می رسد، چرا که این رویکرد با همه کم و کاستیهایش می تواند افراد و جوامع را در این دوره استفاده بی رویه و شتاب زده علاوه بر نکات مثبت به نکات منفی تکنولوژی خصوصا در زمینه آموزش هشیار سازد و به اهداف و آرمانهایی که نظام آموزش باز و از راه دور به خاطر آن شکل گرفت و در نظریه ها و مبانی آموزش از راه دور بر آن تأکید شده، یعنی ایجاد امکان تحصیل برای همه هر جا و هر زمان با کمک امکانات ارتباط از راه دور و تکنولوژی و فناوری روز جامعه عمل پیوشاند که البته این مهم طبق نظر طرفداران رویکرد انتقادی، روان شناسی ساخت گرا بدون توجه به این مهم که ارتباطات باید سالم و بدور از هر گونه جهت دهی و سوگیری و رابطه مبتنی بر استثمار باشد به دست نخواهد آمد.

بحث و نتیجه گیری

همان گونه که ملاحظه گردید، تحقیق حاضر به تبیین مبانی معرفت شناختی نظام آموزش از راه دور پرداخته است. نظام آموزش از راه دور در هر نسل خود از یک رویکرد معرفت شناختی غالب تبعیت می کند و هر کدام از این رویکردهای معرفت شناختی در نتیجه یک سری عوامل زمینه ساز ایجاد شده و نقش آفرینی کرده اند و در این راه در هر نسل یک مکتب روان شناسی نیز با آنها همراهی نموده و در کنار هم موجبات پدید آمدن نسل های مختلف نظام آموزش از راه دور را فراهم آورده اند (کاوشی پیرامون ...، بی نام، بی تا) که این رویکردهای معرفت شناختی ذیل سؤالات سه گانه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته اند و منظور از نسلهای سه گانه نظام آموزش از راه دور تقسیم بندی عمر تقریباً ۱۵۰ ساله این نظام به سه دوره یا سه نسل می باشد که معیار آن توفیق یک رویکرد معرفت شناسی و روان شناسی بارز و نیز تکنولوژی به کار رفته در سیستم نظام آموزش از راه دور آن دوره می باشد که در محدوده سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۵۰ رویکردهای اثبات گرایی و رفتاری و تکنولوژی ابزاری، دوره دوم ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ دوره رویکردهای تفسیری و شناخت گرا و تکنولوژی نظامها و دوره سوم دوره رویکردهای انتقادی و ساخت گرا و تکنولوژی متفکرانه معیار تقسیم بندی و مرز بندی نسلها را به وجود آوردند (فردانش، ۱۳۸۴). البته ذکر این نکته ضروری است که این مرز بندی به معنای عدم حضور رویکردها و یا ابزارهای نسلهای قبل در نسل جدید نیست بلکه به معنی مؤثر تر بودن و بارز تر بودن آن می باشد و در هر نسل ادامه ای از تأثیر نسل قبل را می توان مشاهده نمود.

و اما در توضیح معرفت شناسی می توان گفت که به اصطلاح ساده معرفت شناسی فلسفه دانش و یا چگونگی رسیدن ما به دانش است مجال طرح سؤالاتی از قبیل سؤالات زیر را فراهم می آورد:

- چه ارتباطی بین یادگیرنده و آنچه دانسته می شود وجود دارد ؟

- ما چگونه می فهمیم که فهمیده ایم ؟ (از چه راهی از یادگیری خود مطلع می شویم) (کراس، ۲۰۰۵)

از آنجا که این نظام آموزشی به طور وسیعی با اکتشاف و انتقال معرفت سر و کار دارد و از طرفی معرفت شناسی نیز بنیادهای معرفت را تعریف می کند، و در این حوزه سؤالات مهمی را مطرح می سازد که رابطه نزدیکی با روشهای تدریس و یادگیری دارند، لذا در اینجا سعی شده تا استلزامات دیدگاههای معرفت شناسی مؤثر در هر نسل و نحوه تأثیر گذاری آن مشخص گردد.

در این تحقیق، ابتدا به مرور اجمالی تاریخچه و مبانی نظری نظام آموزش از راه دور پرداختیم، چرا که برای شناسایی هر نظام آموزشی نیاز به شناخت عوامل زمینه ساز تاریخی و بنیادهای فکری و منابعی است که آن نظام از آنها تغذیه نموده است. در ادامه نسل های آموزش از راه دور را در غالب سه نسل توضیح داده ایم و سپس به بررسی هر یک از نسلها پرداخته ایم و اشاره داشتیم به اینکه در این زمینه به گردآوری پیشینه مطالعاتی و تحقیقات انجام شده نیز پرداخته شد. در اینجا به جمع بندی نتایج و یافته های تحقیق پرداخته و در مورد هر یک به بحث و نتیجه گیری می پردازیم.

۱- مبانی معرفت شناختی نسل اول نظام آموزش از راه دور

با توجه به طبقه بندی سلز (۱۹۹۷) در مورد دوره ها و نسلهای تحول رشته تکنولوژی آموزشی (فردانش، ۱۳۸۴) و بررسی های انجام شده در (کاوشی پیرامون ...، بی نام، بی تا) می توان به این نتیجه رسید که رویکرد معرفت شناسی و روان شناسی مؤثر و همزمان با نسل اول نظام آموزش از راه دور رویکرد اثبات گرایی و رفتارگرایی می باشد. در مورد نسل اول نظام آموزش از راه دور باید گفت از آنجا که در ابتدای قرن بیستم (۱۹۵۰-۱۹۰۰)، رویکرد معرفت شناختی اثباتگرایی تقریباً بر روند شکل گیری کلیه رشته ها غالب بود، لذا در این رهگذر نیز کلیه نمایه های این نظام از این قاعده مستثنی نمانده اند (کاوشی پیرامون ...، بی نام، بی تا). تأثیرات رویکرد اثبات گرایی در نسل اول نظام آموزش از راه دور و مدرنیسم و نیز باورهای روان شناسی رفتارگرا را با برشمردن و تجزیه و تحلیل ویژگیها و آراء این رویکرد به روشنی می توان فهمید. ویژگیها و باورهای معرفت شناختی اثبات گرایان را که در تحقق نسل اول نظام آموزش از راه دور مؤثر بوده اند می توان به صورت زیر خلاصه نمود:

۱- دانش مستقل از ذهن فراگیر است و وظیفه معلم و نظام آموزشی انتقال دانش و واقعیت است (معین، ۱۳۸۵).

۲- تمام نتیجه گیریها در مورد واقعیت بر پایه ملاحظات تجربی استوار است که می توان به طور عمومی آن را متمایز ساخت (دید، شنید، لمس کرد، بو کشید و اندازه گیری

کرد) (اسکالز، ۲۰۰۳).

۳- معرفت علمی عاری از ظنیات و حدسیات و سرشار از یقینیات و بدیهیات است و آرای مورد اختلاف متافیزیکی و تعلقات انفسی جایی در آن ندارند (زیبا کلام، ۱۳۸۴).

۴- تنها سرچشمه یقین ادراک حسی است (صمدی، ۱۳۴۱).

۵- شناخت در هر موضوعی تنها با مراجعه به علمای آن حیطه و تنها از طریق کار در شرایط کاملاً کنترل شده امکانپذیر است.

۶- ما می‌توانیم ماهیت واقعیت را بوسیله بررسی یافته‌های تجربی محققان و تفسیرهای آنان درک کنیم (اسکالز، ۲۰۰۳).

۷- آنچه در تحقیقات باید به دنبال آن رفت خصایص و ویژگیهای عینی و قابل اندازه‌گیری است.

۸- تلاش و توجه برای تعمیم یافته‌ها از سطح جامعه به عمق آن (معین، ۱۳۸۵).

۹- تلاش برای کشف روابط پایدار و قوانین از طریق ترکیب مناسب استدلال و مشاهده در هر مورد و توضیح حوادث جزئی از طریق بردن آن در قلب قوانین کلی (کجویان، ۱۳۶۹).

۱۰- افزار وار بودن دیدگاههای پژوهشگران به دلیل اعتقاد به علیتی افزار وار میان پدیده‌ها (نصر، ۱۳۸۴).

با توجه به آموزه‌های معرفت‌شناختی اثبات‌گرایی که شرح آن گذشت می‌توان به وضوح پی برد که این مکتب چه تأثیری در شکل‌گیری نسل اول نظام آموزش از راه دور یعنی نسل آموزش مکاتبه‌ای و بر نامه‌ای داشته‌اند.

به‌طور خلاصه باید گفت بررسیهای انجام شده در این تحقیق نشان‌دهنده آن است که آنچه که در شکل‌گیری نسل اول نظام آموزش از راه دور چه شکل مکاتبه‌ای و چه شکل آموزش برنامه‌ای آن مؤثر بوده مبانی معرفت‌شناختی رویکرد اثبات‌گرایی می‌باشد. چرا که مقارن بودن نسل اول با این رویکرد و تجزیه و تحلیل مبانی معرفت‌شناختی مؤثر این نسل از روند تأثیرپذیری منطقی آن خبر می‌دهد. سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۵۰ بر اساس بررسیهای انجام شده دوران توفیق عقاید مربوط به عینیت‌گرایی، تجربه‌پذیری و توجه به محسوسات بوده است که همه اینها به تأثیر از باورهای معرفت‌شناختی اثبات‌گرایی بود که همه شناخت و یادگیری را منحصر به محسوسات و فرآورده‌ها و فرآیندهای قابل مشاهده و اندازه‌گیری کرده بود و این باور نقطه‌آغازی برای رفتارگرایان در ساخت و تدوین نظام آموزش مبتنی بر محرک-پاسخ، تقویت شرطی‌سازی و ... شد که این در کنار باورهای مشترکی همچون تأکید بر اهمیت آموزش و پرورش در مسائل اجتماعی، وجود امکان شناخت مطلق از طریق روش تجربی، توجه به جنبه‌ها و مراحل بر نامه‌ریزی صنعتی، برنامه‌ریزی

عقلانی، عینیت گرایی، تأکید بر آموزش و پرورش عمومی، تلاش برای تکوین قوانین عام، تأکید بر تسلط فرهنگ فناوری، تأکید بر تسلط فرهنگی غالب در رویکرد مدرنیسم توانست برای پاسخگویی به نیازهای آموزشی دوران خود نسل اول نظام آموزش از راه دور را پدید آورد.

۱- مبنای معرفت شناختی نسل دوم نظام آموزش از راه دور

طبق نظر سلز و (۱۹۹۷) و (۱۳۸)، نسل دوم نظام آموزش از راه دور همزمان با توفیق رویکرد تفسیری در حوزه های فکری مختلف بوده است. توجه به برخی ویژگیهای مهم این رویکرد می تواند دلایل تأثیرات گسترده این رویکرد را آشکار سازد.

۱- در رویکرد تعبیری اعتقاد به اصالت انسان و ادراک آن می باشد.

۲- بر تحلیلهای کیفی و بر محور تحلیلهای زبانی تأکید دارد.

۳- هدف علم را درک و فهم می داند نه تبیین گرچه تبیین نیز می تواند در فرآیند تفسیر مفید واقع شود.

۴- رویکرد تعبیری هیچ گاه به صورت رویکرد غالب در رشته تکنولوژی آموزشی مطرح نبوده است (کاوشی پیرامون بی نام، بی تا).

با توجه به ویژگیهایی که ذکر شد در زمینه هرمنوتیک و تعلیم و تربیت باید گفت که هرمنوتیک از سال ۱۹۷۰ به بعد وارد دنیای تعلیم و تربیت شد. بخصوص با توجه به تحقیقات تربیتی، خیزش روشهای کیفی نه فقط قلمرو اهداف تحقیق را گسترش داد، بلکه همچنین زمینه تحقیقات برای آزمون مجدد اصول و اهداف تحقیق اجتماعی را نیز فراهم آورده است.

دیدگاه هرمنوتیک با تکیه بر اصل اساسی فهم و بوسیله تمرکز عمیق روی مفروضات و معانی ای که در هستی روزمره ما وجود دارد، می تواند هم به عمل تعلیم و تربیت و هم به تحقیق تربیتی کمک نماید. یک مربی هرمنوتیک محور می بایست در پی تفسیر معنای اعمال تربیتی و قواعد مربوط به تجربه و مشارکت در اعمال تربیتی باشد. این مربی همچنین به فهم و درک گروههای شاگردان و شیوه های زندگی آنها نیازمند است. مضافاً اینکه او باید به اهمیت فهم متقابل، همچون فهم و درک بین معلمان و شاگردان یا بین دانش آموزان دارای زمینه های مختلف پی ببرد.

در زمینه رویکرد تعبیری و ارتباط آن با رشته تکنولوژی آموزشی نیز باید خاطر نشان کرد که گرچه این رویکرد هیچ گاه رویکردی مطرح در رشته تکنولوژی آموزشی نبوده اما ظهور آن و نکات معرفت شناختی مطروحه در آن، سؤالات زیادی را در زمینه پدیده های غیر قابل مشاهده در زمینه مسائل تربیتی مطرح کرد که با تأثیر رویکرد اثبات گرایی در دوره پیشین و تأثیر آن بر رفتارگرایی مطرح نگشته بود. طرح این مسائل در دوره دوم عصر تکنولوژی آموزشی و آموزش از راه دور زمینه ای شد برای رشد روان شناسی

شناخت گرا و به تبع تأثیرات این رویکرد روانشناسی در پیشبرد تکنولوژی آموزشی و نیز نظام آموزش از راه دور (فردانش، ۱۳۸۴).

بنابر این به طور کلی می توان گفت آنچه از تجزیه و تحلیل ویژگیهای نسل دوم نظام آموزش از راه دور در بعد معرفت شناختی و مبانی معرفت شناختی رویکرد غالب طی سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ به دست می آید وجود همخوانی و یک جریان تأثیر پذیری طبیعی می باشد. در این دوره این اعتقاد وجود داشت که روشهایی که برای آموزش استفاده می شود مانند تولید کالاهای مختلف باید مراحل برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی را به طور دقیق و منظم طی کنند و نظام آموزش از راه دور نیز همان طور که قبلا اشاره شد یک نوع آموزش

برنامه ریزی شده است که جریان ارتباطی مبتنی بر رسانه های فناورانه بین یاد دهنده و یادگیرنده های آن برقرار است و در واقع باید گفت این نگاهی است که تحت تأثیر شرایط صنعتی و رویکرد معرفت شناختی فلسفه معاصر با نسل دوم نظام آموزش از راه دور شکل گرفت و تأثیر گذار شد.

۳- مبنای معرفت شناختی نسل سوم نظام آموزش از راه دور

مشخصه اصلی نسل سوم آموزش از راه دور را نیز می توان استفاده گسترده از ICT نامید. این دوره دوره استفاده از تکنولوژیهای اطلاعات و ارتباطات به عنوان پایه و اساس ارتباط دو سویه به صورت همزمان و غیر همزمان می باشد. طبق بررسی (کاوشی پیرامون... بی نام، بی تا) در داخل کشور، طبقه بندی سلز (۱۹۹۷)، و تحقیقاتی که فینبرگ (۱۹۹۱)، بلاکر (۱۹۹۴)، مک ویلیام و تیلور (۱۹۹۸)، تور (۱۹۹۹)، ناتالی و سرواتکا (۲۰۰۲) و مک ایساک (۲۰۰۵) انجام داده اند و تجزیه و تحلیل مبانی معرفت شناختی نسل سوم نظام آموزش از راه دور و رویکرد مقارن با این دوره یعنی رویکرد انتقادی که در این تحقیق انجام شده، نسل سوم آموزش باز و از راه دور یعنی آموزش مجازی متأثر از رویکرد معرفت شناختی انتقادی می باشد. در اسکول (۲۰۰۰) و راگازا (۲۰۰۵) نیز در تحقیقات خود به تأثیر پذیری رویکرد روان شناسی ساخت گرا از مبانی معرفت شناختی رویکرد انتقادی و به نوبه خود تأثیر گذاری این رویکرد روان شناسی در نسل سوم نظام آموزش از راه دور به دلیل هم دوره بودن و توافقات عقیدتی اشاره نموده اند. تحقیقات نشان می دهد نظریه پردازان زیادی در آموزش و پرورش از این نظریه تأثیر پذیرفته و با توجه به هم خوانی مبانی معرفت شناختی بنیادی خود با مکتب روان شناسی ساخت گرایی اغلب این رویکرد را در برنامه ریزی های خود مورد توجه قرار داده اند (فردانش، ۱۳۸۴). رویکرد انتقادی که نمونه بارز آن در عصر حاضر همان مکتب فرانکفورت می باشد پس از رویکرد تعبیری یا تفسیری سومین رویکرد بارز و تأثیر گذار در زمینه تعلیم و تربیت و نظام آموزش از راه دور است که در زمان حاضر در زمینه آموزش و پرورش حرفهای مهمی برای گفتن دارد. از جمله:

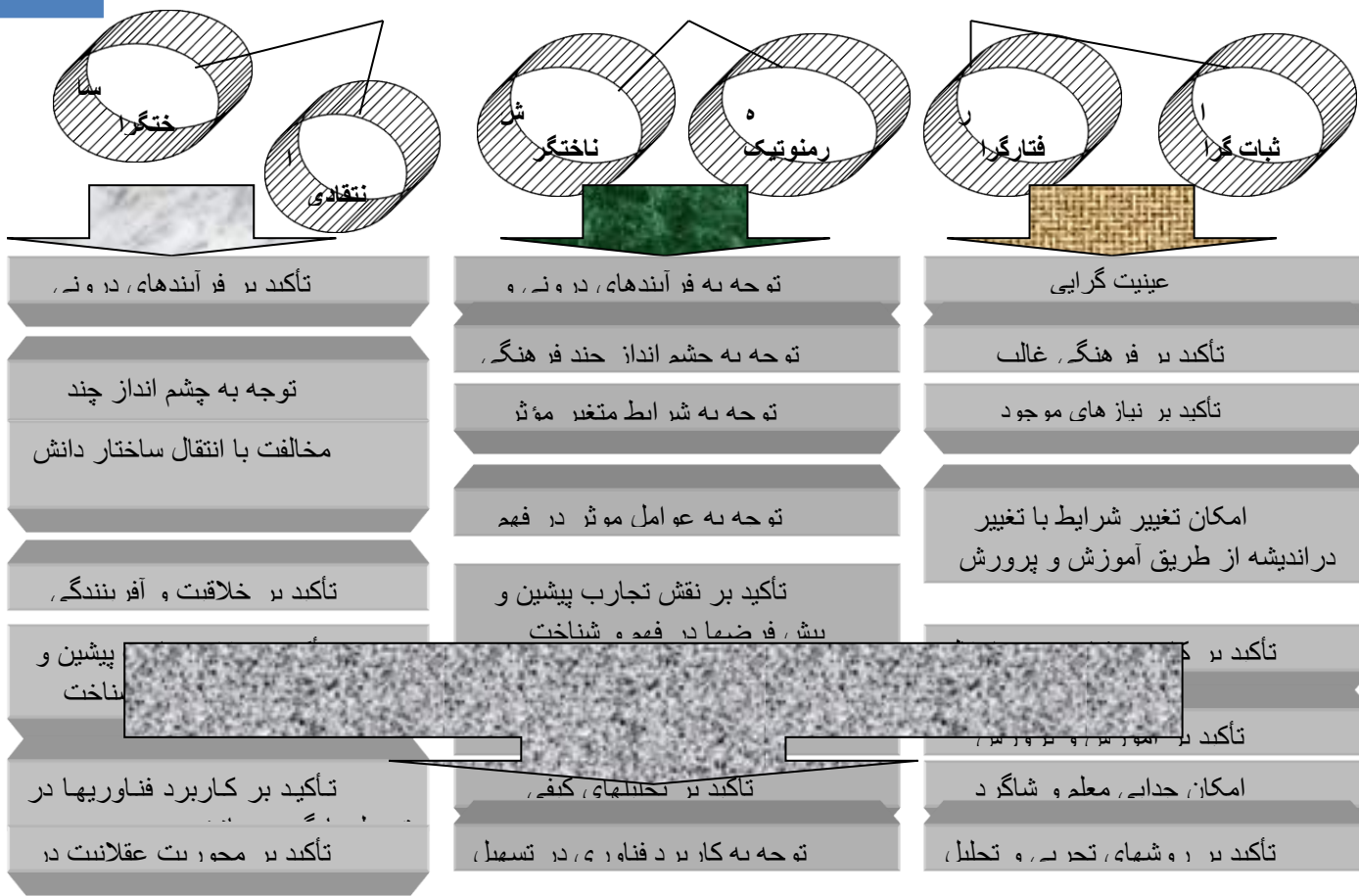
۱- نظریه انتقادی، فکر و تصور و استدلال خالص را به مبارزه می طلبد و با توجه به فرهنگ و تاریخ توانایی تغییر خودش را نشان می دهد.

- ۲- نظریه انتقادی، تصویر فلسفه دکارتی در مورد موضوع عقلانی را که قادر به کنترل جهان می باشد رد می کند.
 - ۳- نظریه انتقادی، بیشتر بر جنبه های عملی علاوه بر جنبه های تئوریک تأکید می کند .
 - ۴- نظریه انتقادی، این موضوع را تصدیق می کند که یک درک هدفمند یا ادراک از راه دور یک دانش مورد نیاز است .
 - ۵- نظریه انتقادی، علوم اساسی انسانی، کارشناسان آموزش دیده علمی و انطباق با اصول عقلانی را تجزیه و تحلیل می کند .
 - ۶- هدف اصلی نظریه انتقادی بوجود آوردن موضوعاتی است که در فرهنگ بدیهی تلقی می شوند .
 - ۷- نظریه انتقادی اغلب ضد اصول عقلانی، اصول اداری و سرمایه داری (آنچه مردم را در مضیقه قرار می دهد) است .
 - ۸- تئوریهای انتقادی به دنبال آشکار کردن تناقضات، نابرابریهای اجتماعی و نفوذ می باشند (تا حدی که منفی باشند) هستند (رندل و ونسا، ۲۰۰۵).
- با توجه به ویژگیهای ذکر شده می توان گفت این رویکرد در کنار رویکرد روان شناسی متأثر از خود (ساخت گرایی) وبا کمک ویژگیهای مشترکی همچون تأکید بر تأثیر شرایط و پیشینه بر فهم و کسب معرفت، شاگرد محوری و نگاه به معلم به عنوان تسهیل کننده یادگیری، توجه به تکنولوژی آموزشی به عنوان ابزاری رهایی بخش، تأکید بر برقراری دموکراسی، تأکید بر تربیت شهروند انتقادی، گفتگو محوری، توجه به فرهنگ های مختلف،، توجه به تفاوت افراد، نسبی بودن حقیقت (فراهانی، ۱۳۸۳)، با رویکرد پست مدرنیسم توانست در پاسخ گویی به نیازهای آموزشی دوران خود زمینه ساز و تسهیل کننده نسل سوم نظام آموزش از راه دور باشد .
- به طور کلی انتقادات، توصیه ها و راهکارهای رویکرد انتقادی با حال و هوای آموزش از راه دور نسل سوم و گسترش وسیع ارتباط از طریق شبکه جهانی وب بسیار متناسب به نظر می رسد چرا که این رویکرد با همه کم و کاستی هایش می تواند افراد و جوامع را در این دوره استفاده بیرویه و شتاب زده علاوه بر نکات مثبت به نکات منفی تکنولوژی خصوصاً در زمینه آموزش هشیار سازد. در جدول زیر می توانید خلاصه ای از مباحث مطروحه را مشاهده می نمایید

نسل‌های نظام آموزش
از راه دور

نسل آموزش رادیویی،
تلویزیونی و رایانه
ای

نسل آموزش مکاتبه
ای و بر نامه ای





نمودار ۴-۴. ویژگیهای رویکردهای شناختی نسلهای آموزش از راه دور

پیشنهادهای پژوهشی

- نظام آموزش از راه دور جای بحث و بررسی بسیاری دارد که در این خصوص پژوهشگران کشورمان می توانند در زمینه موضوعات زیر تحقیق نمایند :
- بررسی و تجزیه و تحلیل نظریه ها، پیشنهادات و افکار متحصان و دست اندرکاران مسائل آموزشی کشور در خصوص ابعاد مختلف نظام آموزش از راه دور
 - ارائه نظریات و راهکارهایی برای بکارگیری بهینه و مناسب این نظام آموزشی در سیستم آموزشی کشور
 - مقایسه بهره گیری نظام آموزش از راه دور کشورمان با سایر کشورهای پیشرفته در این زمینه
 - بررسی و تجزیه و تحلیل معایب و محاسن کاربرد نظام آموزش از راه دور در سیستم آموزشی کشور
 - بررسی مبانی مختلف فلسفی خاصه مبانی معرفت شناختی نظام آموزش از راه دور و مقایسه آن با مبانی فلسفه آموزشی کشور
 - بررسی و تجزیه و تحلیل علل و زمینه های اساسی پیدایش و پیشرفت نظام آموزش از راه دور به طور کلی و ارائه راهکارهایی برای کاربرد عوامل مثبت آن علل برای پیشرفت نظام آموزش از راه دور در ایران
 - انجام پژوهشهایی در خصوص میزان آشنایی و بهره گیری از فناوریهای آموزشی بین فراگیران نظام آموزش سنتی و از راه دور.
 - بررسی میزان رضایت فراگیران و معلمان و یا اساتید از وضعیت امکانات و فناوریهای نوین آموزشی مراکز آموزشی مشغول به فعالیت

فهرست منابع

- ۱- احمدی، بابک (۱۳۷۷). **مدرنیته و اندیشه انتقادی**، تهران نشر مرکز.
- ۲- الحسینی، سید حسن (۱۳۸۴). **مقدمه ای بر آموزش از راه دور**، تهران منادی تربیت.
- ۳- امیری، محمد علی (۱۳۶۹). **تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش** (از متن فرانسه)، پاریس (فرانسه)، انتشارات مدرسه. ناشر سازمان بین المللی برای آموزش و پرورش و علوم و فرهنگ (یونسکو).

- ۴- بری فر، منصور (۱۳۷۱). **مبانی نظری آموزش از راه دور**، مجموعه مقالات اولین سمینار تخصصی آموزش از راه دور، تهران دانشگاه پیام نور.
- ۵- حسینی، سید علی (۱۳۸۴). **جزوه منتشر نشده تاریخچه مختصر تکامل آموزش از راه دور**، تهران، مؤسسه آموزش از راه دور.
- ۶- حسن زاده، محمد (۱۳۸۱). **امکان سنجی آموزش از راه دور از طریق اینترنت کتابداری و اطلاع رسانی در ایران** [رساله دکتری] دانشگاه تربیت مدرس.
- ۷- زیبا کلام، سعید (۱۳۸۴). **معرفت شناسی اجتماعی، طرح و نقد مکتب ادینبورا**، تهران، انتشارات سمت.
- ۸- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۱). **فلسفه آموزش و پرورش**، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۹- صالح مقدم، مسعود؛ اسد زاده، فرشته؛ شاقلی، ریحانه (۱۳۸۵). **آموزش از راه دور**، تهران، همیاران جوان.
- ۱۰- صدری طباطبائی، محمد رضا (۱۳۸۰). **امکان سنجی کاربرد آموزش از راه دور برای مدیران کانونهای فرهنگی - هنری مساجد** [پایان نامه کارشناسی]. دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۱- عطاران، محمد (۱۳۸۳). **فناوری اطلاعات بستر اصلاحات در آموزش و پرورش**، تهران، مؤسسه توسعه فناوری آموزشی مدارس هوشمند.
- ۱۲- فردانش، هاشم (۱۳۸۰). **مبانی نظری تکنولوژی آموزشی**، تهران انتشارات سمت.
- ۱۳- فولکیه، پل (۱۳۴۱). **خلاصه فلسفه**، مترجم فضل الله صمدی، تهران، انتشارات اقبال.
- ۱۴- فراهانی، ابوالفضل (۱۳۸۰). **"مقایسه عملکرد تحصیلی دانشجویان تربیت بدنی نظام آموزشی حضوری با راه دور و ارائه الگوی بر نامه ریزی تربیت بدنی از راه دور"**، پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۵- فرمehنی فراهانی، محسن (۱۳۸۳). **پست مدرن و تعلیم و تربیت**، تهران، ناشر آیتز.
- ۱۶- کاردان، علیمحمد (۱۳۸۱). **سیر آرای تربیتی در غرب**، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۷-،،، کاوشی پیرامون دیدگاههای معرفت شناسی نسبت به راهبردهای یاددهی - یادگیری در نظام آموزش باز و از راه دور، مقاله در دست چاپ.
- ۱۸- کجویان، حسن (۱۳۶۹). **"نقش تحصيلگرایی در تکوین جامعه شناسی"** رساله دوره

دکتری: دانشگاه تربیت مدرس.

۱۹- گال، مردیت؛ گال، جویس؛ بورگ، والتر (۱۳۸۴). **روشهای تحقیق کمی و کیفی در**

علوم تربیتی و روانشناسی (جلد اول)، مترجمان احمد رضا نصر و دیگران، تهران، انتشارات سمت.

۲۰- محقق معین، محمدحسین (۱۳۸۵). **آگوست کنت**، شبکه معین علمی، اقتباس از

WWW.arzeshyaby.ir

۲۱- مهرپویا، عباس (۱۳۸۴). **یادگیری بازو از راه دور**. تهران: انتشارات مؤسسه آموزش

از راه دور، ویرایش اول، چاپ اول.

۲۲- مهرین، مهرداد (۱۳۴۱). **مکتبهای فلسفی «فلسفه بزبان ساده»** تهران، ناشر کانون

معرفت.

۲۳- نلر، جی. اف (۱۳۸۰). **آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش**، مترجم فریدون بازرگان،

تهران، انتشارات سمت.

Abstract

The present research, investigates the epistemological foundations of distance education on three axes, known as first generation, second generation and the third generation. The way of doing research has been document analysis. Collecting the data to address the research question, almost all available and related to the subject documentaries were reviewed with the use of data collection and then qualitatively analyzed.

The main findings of the study include : 1. Approaches and epistemological foundations of the first generation (1900-1950) including: Positivism approach, with the belief to general rules of learning, collective methods and emphasising the productivity principles in designing educational strategies. 2. Second generation (1960-1980) : explanation and exposition and epistemological beliefs including: making the usage language clear in educational situations, with removing the ambiguity of professional expressions and paying attention to important elements (historical, environmental and individual) at coding and decoding. 3. Third generation (from 1990 to now): Critical epistemological approach and the belief of creating, "Democratic spaces", at the school, emphasising and encouragement of cultural variant and impartiality of educational institutions.

Abstract

The present research, investigates the epistemological foundations of distance education on three axes, known as first generation, second generation and the third generation. The way of doing research has been document analysis. Collecting the data to address the research question, almost all available and related to the subject documentaries were reviewed with the use of data collection and then qualitatively analyzed.

The main findings of the study include : 1. Approaches and epistemological foundations of the first generation (1900-1950) including: Positivism approach, with the belief to general rules of learning, collective methods and emphasising the productivity principles in designing educational strategies. 2. Second generation (1960-1980) : explanational and expositional and epistemological beliefs including: making the usage language clear in educational situations, with removing the ambiguity of professional expressions and paying attention to important elements (historical, environmental and individual) at coding and decoding. 3. Third generation (from 1990 to now): Critical epistemological approach and the belief of creating, "Democratic spaces", at the school, emphasising and encouragement of cultural variant and impartiality of educational institutions.